

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۴ نکتہ از قرآن کریم

پیرامون

جہاد فرہنگی و نظامی

اکبر دھقان

دهقان، اکبر

جهاد فرهنگی و نظامی / تالیف اکبر دهقان - قم: نشر حرم،

۱۳۸۹

ص. ۱۲۸

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۸۵-۲۳-۱ ریال: ۲۵۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. دانش و دانش اندوزی - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. اسلام و علوم. ۳. جهاد. ۴. اسلام و جنگ. الف. عنوان

۲۹۷/۴۸

ج ۹ / ۳۹ / BP ۲۲۹/۲



انتشارات حرم

۱۱۴ نکته از قرآن کریم

پیرامون جهاد فرهنگی و نظامی

---

مؤلف: اکبر دهقان

ناشر: مؤسسه انتشارات حرم

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

چاپ: علوی

حروف‌نگار: سید مصطفی موسوی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۸۵-۲۳-۱

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

---

آدرس: خیابان امام، خیابان توانیر، کوچه ۵، پلاک ۱۰

تلفن: ۶۶۵۶۲۶۰

مرکز پخش: قم، بلوار امین، کوچه ۲۷، پلاک ۱۳

تلفن: ۲۹۳۴۶۷۸

اهداء به

شهیدان با فضیلت نظام جمهوری اسلامی

۱. اکبر دهقان..... ۱  
 ۷. پیش‌گفتار..... ۷

**فصل اول : نکته‌هایی پیرامون جهاد فرهنگی و نظامی**

۱. تقدم جهاد فرهنگی بر جهاد نظامی..... ۱۱  
 ۲. انگیزه تشریح جهاد نظامی..... ۱۵  
 ۳. جهاد ابتدایی یا دفاع..... ۱۷  
 ۴. مشروط بودن قتال..... ۱۹  
 ۵. تفاوت جهاد فرهنگی با جهاد نظامی..... ۲۲  
 ۶. فضیلت مجاهدان فرهنگی و نظامی..... ۲۳  
 ۷. جهاد فرهنگی و نظامی به سود انسان..... ۲۵  
 ۸. پیامبران، برترین مجاهدان..... ۲۶  
 ۹-۴۳ شباهت جهاد نظامی با جهاد فرهنگی..... ۲۷

**فصل دوم : نکته‌هایی پیرامون جهاد فرهنگی**

۴۴. ارزش علم و معرفت..... ۴۴  
 ۴۵. اهمیت علم در قرآن..... ۴۵  
 ۴۷. علم، شرط مدیریت و زمامداری..... ۴۷  
 ۴۸. آثار علم..... ۴۷  
 ۴۹. تشخیص ارزش‌ها در پرتو علم و معرفت..... ۴۸  
 ۵۰. ضرورت پیروی از دانشمندان..... ۴۹  
 ۵۱. خداوند معلم حقیقی..... ۴۹  
 ۵۲. محدودیت علم انبیاء، فرشتگان و انسان‌ها..... ۵۰  
 ۵۳. اهل علم و عمل..... ۵۱  
 ۵۴. نشانه علاقه به علم و دانش..... ۵۲  
 ۵۵. علم، وسیله است نه هدف..... ۵۳  
 ۵۶. محور بودن علم..... ۵۴  
 ۵۷. فضیلت علم..... ۵۴  
 ۵۸. تقدم فضایل نفسانی..... ۵۵  
 ۵۹. تقدم تربیت بر تعلیم..... ۵۵  
 ۶۰. فضل به معنای علم و معرفت..... ۵۶

۶۱. علم به معنای دلیل ..... ۵۶
۶۲. نور علم و ایمان، عامل وحدت ..... ۵۷
۶۳. هدف از آموزش معارف ..... ۵۸
۶۴. دانش بشری ..... ۵۸
۶۵. دو گونه بودن علم ..... ۵۹
۶۶. علوم سه گانه ..... ۵۹
۶۷. نیاز تعلیم و تربیت به مهربانی ..... ۶۰
۶۸. دلیل پیروی از عالم ..... ۶۱
۶۹. تأثیر متقابل علم و ایمان ..... ۶۱
۷۰. ویژگی‌های دانشمندان الهی: ..... ۶۲
۷۱. دانشمندان وارثان پیامبران ..... ۶۳
۷۲. ترفیع درجات عالم ..... ۶۴
۷۳. دانشمند هم‌ردیف ملائکه ..... ۶۵
۷۴. نام راسخان در علم، کنار نام خدا ..... ۶۵
۷۵. علمای راستین و رضایت الهی ..... ۶۶
۷۶. ادب شاگرد و استاد ..... ۶۶
۷۷. خطرات علم و دانش ..... ۶۸
۷۸. خطر دانشمندان منحرف ..... ۶۹
۷۹. عذاب دانشمندان منحرف ..... ۶۹
۸۰. لزوم تحصیل معارف دینی برای انذار مردم ..... ۷۰
۸۱. دانشمندان واقعی و خضوع در برابر آیات الهی ..... ۷۱
- فصل سوم: نکته‌هایی پیرامون جهاد نظامی**
۸۲. سیمای دشمنان اسلام ..... ۷۴
۸۳. برخوردهای مثبت پیرامون جنگ و جهاد ..... ۷۷
۸۴. برخوردهای منفی پیرامون جنگ و جهاد ..... ۷۷
۸۵. برخورد منفی منافقان با جهاد نظامی ..... ۷۸
۸۶. دستور جامع در باره جهاد ..... ۸۰
۸۷. هدف از جهاد با دشمن ..... ۸۱
۸۸. حفاظت از دین به وسیله جهاد ..... ۸۲
۸۹. سیمای جهادگران واقعی ..... ۸۳

۹۰. سبب رویکرد به جنگ در اسلام ..... ۸۴
۹۱. اهداف مختلف در جنگ و جهاد ..... ۸۵
۹۲. حرکت به سوی جهاد ..... ۸۶
۹۳. علو همت در مبارزه و جهاد ..... ۸۷
۹۴. معنای مجاهدت در راه خداوند ..... ۸۷
۹۶. مجهز بودن در برابر دشمن ظاهری و باطنی ..... ۸۸
۹۷. انواع جهاد ..... ۹۰
۹۸. تفاوت جهاد اصغر با جهاد اکبر ..... ۹۰
۹۹. تفاوت منزلت مجاهدان ..... ۹۳
۱۰۲. لزوم احتیاط در جنگ ..... ۹۵
۱۰۳. خداوند خریدار جان مؤمنان ..... ۹۵
۱۰۵. تجارت پر سود ..... ۹۸
۱۰۶. شهادت مجاهد در راه خدا ..... ۹۸
۱۰۷. پاداش مجاهد شهید ..... ۹۹
۱۰۸. رستگاری در پرتو جهاد اصغر و اکبر ..... ۱۰۰
۱۰۹. سر جنگ در راه خدا یا طاغوت ..... ۱۰۰
۱۱۰. عوامل پیروزی در جنگ ..... ۱۰۱
۱۱۱. راحت طلبان و فرار از جنگ ..... ۱۰۳
۱۱۲. عدم ورود به بهشت بدون جهاد ..... ۱۰۵
۱۱۳. راه درمان کراهت از جنگ ..... ۱۰۷
۱۱۴. چند اصل در زمینه جهاد نظامی ..... ۱۰۸
- ختامه مسک**
- تأثیر علم در شکوفایی عقل ..... ۱۱۴
- رفع محدودیت در طلب علم ..... ۱۱۵
- فضیلت علم در احادیث ..... ۱۱۶
- فضیلت دانشمندان ..... ۱۲۲
- دانشمندان با عمل ..... ۱۲۵
- فضیلت علم بر ثروت ..... ۱۲۶

### پیش‌گفتار

قرآن کریم در برخی از آیات می‌فرماید: در راه خدا آن‌طوری که شایسته است جهاد بورزید؛ (وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ).<sup>۱</sup>

در برخی از آیات دیگر می‌فرماید: کسانی که در راه ما جهاد کنند از هدایت پاداشی بهره‌مند خواهند شد؛ (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ).<sup>۲</sup>

و نمونه کامل مجاهدت در راه خدا، پیامبران و اولیاء الهی هستند، چنانکه قرآن کریم از قول آنان چنین نقل می‌کند: (وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا).<sup>۳</sup>

۱. حج / ۷۸

۲. عنکبوت / ۶۹

۳. ابراهیم / ۱۲

بهترین سعادت در دنیا برای انسان آن است که بتواند مجاهد در راه خدا محسوب شود. از آنجا که باید به هدایت پیامبران اقتدا و تأسی کرد (فِيهِدَاهُمْ اَقْتَدِهٖ)؛ بر ما انسان‌ها لازم است در راه خدا جهاد کنیم تا ما نیز مشمول الطاف خاص الهی شویم.

و جهاد گرچه اصطلاحاً به معنای جهاد نظامی و مبارزه و قتال با دشمنان است، لکن از نظر قرآن کریم جهاد معنای عام و وسیعی دارد که هر نوع تلاش و کوشش در راه خدا را شامل می‌شود، از جمله جهاد فرهنگی و علمی که مقدم بر جهاد نظامی است. به این معنا که نخست باید انسان معارف اسلام را بیاموزد و مشرکان را به سوی اسلام دعوت کند و بعد از اتمام حجت، اگر آنان مزاحمتی برای مسلمانان ایجاد نکردند، چه بهتر، و اگر به مخالفت برخاستند و جنگ را آنها آغاز کردند، در اینجا لازم است که در برابر آنان ایستادگی کرد و شرّ آنها را به خودشان برگرداند.

و شرکت در هریک از جهاد نظامی و فرهنگی بستگی به شرایط جبهه و جنگ دارد. اگر دشمن تمام نیروهای خود را بسیج کرده، بر مسلمانان نیز لازم است همگی در جهاد شرکت کنند، چنانکه قرآن می‌فرماید: (قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً).<sup>۲</sup>

۱. انعام/ ۹۰

۲. توبه/ ۳۶



و لکن اگر نیازی نیست همه مردم به جبهه و جهاد بروند، در حد کفایت باید نیروهای رزمی در جهاد حضور داشته باشند و بر افراد دیگر لازم است به جهاد فرهنگی پردازند. بدین صورت که به مراکز علمی بروند و با معارف اسلام آشنا شوند و بعد از آن به مردم آموزش دهند تا در اثر انداز، مردم از مخالفت با پروردگار بترسند.

آیه شریفه ۱۲۲ توبه این واقعیت را بیان می‌کند؛ (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ).<sup>۱</sup>

امیدواریم که خداوند توفیق جهاد در راه خودش را به همگان عنایت فرماید.

اکبر دهقان

ذیحجه الحرام ۱۴۳۱

فصل اول؛

نکتہ تہیہ سپر امون جہاد فرہنگی و نظامی

## ۱. تقدم جهاد فرهنگی بر جهاد نظامی

از آنجا که فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی به‌ویژه قرآن کریم، هدایت جوامع بشری است؛ (هُدًى لِّلنَّاسِ) <sup>۱</sup>، (لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا) <sup>۲</sup>، (ذِكْرًا لِلْبَشَرِ) <sup>۳</sup>، (نَذِيرًا لِلْبَشَرِ) <sup>۴</sup>.

در مرحله نخست هدایت مردم به یکی از سه صورت با سخن گفتن صورت می‌پذیرد: استدلال، موعظه و جدال احسن؛

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) <sup>۵</sup>.

به همین جهت پیامبران علاوه بر معجزه و دلیل روشن همراه با کتاب الهی و بر طبق میزان حق با مردم سخن گفتند؛

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) <sup>۶</sup>.

۱. بقره/ ۱۸۵

۲. فرقان/ ۱

۳. مدثر/ ۳۱

۴. مدثر/ ۳۶

۵. نحل/ ۱۲۵

۶. حدید/ ۲۵

چنانکه نخستین دستور خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور فرهنگی و سخن گفتن با مردم است؛

(يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ، (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ).

و نیز نخستین برخورد حضرت موسی علیه السلام و حضرت هارون با فرعون از همین طریق سخن گفتن به نرمی و دعوت با ملایمت است؛  
(اذهبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ \* فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ).<sup>۱</sup>

اگر بعد از دعوت و اتمام حجت، مشرکان اسلام را پذیرفتند، چه بهتر و اگر نپذیرفتند و لکن کاری به کار دین و مسلمانان ندارند، در اینجا نیز دین و مسلمانان با آنها کاری ندارند، چنانکه در طول تاریخ کفار و مشرکان زیادی وجود داشته و دارند و نیکی و احسان به آنها منعی ندارد و می‌توان به آنها کمک و احسان کرد؛ (لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ).<sup>۲</sup>

البته رهبران دینی لازم است سخن خدا را به سمع آنها برسانند؛ (مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ).<sup>۳</sup>

۱. طه / ۴۳-۴۴

۲. ممتحنه / ۸

۳. مائده / ۹۹

بعد از اتمام حجت و ابلاغ رسالت اگر دشمنان و کفار مخالفت کردند، در اینجا نیز مراحلی باید صورت پذیرد.

گاهی باید نسبت به آنها بی‌اعتنا بود و گاهی باید از آنان اعراض کرد؛ (دَعِ أَذَاهُمْ) <sup>۱</sup> (فَاعْرِضْ عَنْهُمْ) <sup>۲</sup>.

اما گاهی کار به جایی می‌رسد که آنها صف‌آرایی می‌کنند و می‌خواهند مسلمانان را از بین ببرند. در اینجا خشونت و غلظت لازم است و باید با آنها به قتال پرداخت و به تعبیر دیگر نوبت به جهاد نظامی می‌رسد؛ (جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ) <sup>۳</sup> (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ) <sup>۴</sup>.

در روایات اسلامی نیز موضوع دعوت مشرکان به اسلام و هدایت آنان پیش از جهاد نظامی و قتال با آنان بیان شده است.

از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که پیامبر مرا به یمن فرستاد، فرمود: ای علی هیچ انسانی را به قتل نرسان مگر آنکه پیش از آن او را به اسلام دعوت کنی و سوگند به خدا اگر انسانی به دست تو هدایت شود برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع می‌کند و غروب می‌نماید.

۱. احزاب/ ۴۸

۲. نساء/ ۶۳

۳. توبه/ ۷۳

۴. بقره/ ۱۹۰

قال امیر المؤمنین علیه السلام: «لَمَّا وَجَّهَنِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى السَّيْمَنِ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا تَقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَإِيْمَ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلِيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرَ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرِيْتُ وَ لَكَ وَلاؤُهُ»<sup>۱</sup>

شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد به هنگام مواجهه با مشرکان در جنگ آیا می‌توانم آنها را به قتل برسانم قبل از اینکه آنها را دعوت به اسلام کنم؟ حضرت فرمودند: خیر، نمی‌توانی جز آنکه پیش از آن آنها را دعوت به حق و اسلام کنی.

فَقَالَ الرَّجُلُ غَزَوْتُ فَوَاقَعْتُ الْمُشْرِكِينَ فَيَنْبَغِي قِتَالَهُمْ قَبْلَ أَنْ أَدْعُوهُمْ؟  
فَقَالَ: «أَنْ كَانُوا غَزَاوًا وَقَاتَلُوا فَانْكَ تَجْتَرِيءُ بِذَلِكَ وَأَنْ كَانُوا قَوْمًا لَمْ يَغْزُوا وَ لَمْ يَقَاتِلُوا فَلَا يَسَعُكَ قِتَالُهُمْ حَتَّى تَدْعُوهُمْ»<sup>۲</sup>

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هرگاه با دشمن مواجه شدید آنها را به یکی از سه امر دعوت کنید، اگر به شما پاسخ مثبت دادند از آنها صرف‌نظر کنید: ۱. پذیرش اسلام ۲. هجرت از آن شهر و دیار ۳. پرداختن جزیه. در مرحله چهارم اگر هیچ‌کدام از امور سه‌گانه قبل را نپذیرفتند، با آنها بجنگید.

«و إِذَا لَقِيتُمْ عَدُوًّا لِلْمُسْلِمِينَ فَادْعُوهُمْ إِلَى أَحَدِي ثَلَاثَ فَنَ هُمْ أَجَابُوكُمْ

إِلَيْهَا فَاقْبَلُوا مِنْهَا وَ كَفُّوا عَنْهَا...»<sup>۳</sup>

۱. فروع کافی ج ۵ ص ۳۳

۲. فروع کافی ج ۵ ص ۱۹

۳. فروع کافی ج ۵ ص ۲۶

جالب آنکه در این روایت و روایت دیگر پیامبر می‌فرماید: مبادا درختان را قطع کنید، مبادا درخت خرما را قطع کنید. زراعت را به آتش نکشانید، چه بسا به اینها نیاز پیدا کنید. مبادا حیوانی را بکشید. «و لا تقاتلوا شیخاً فانیاً و لا صبیّاً و لا امرأة و لا تقطعوا شجرة الا ان تضطروا اليها»<sup>۱</sup>.

«و لا تحرقوا النخل و لا تفرقوه بالماء و لا تقطعوا شجرة مثمرة و لا تحرقوا زرعاً لانکم لا تدرون لعلکم تحتابون اليه و لا تعقروا من البهائم ممّا يؤکل لحمه الا ممّا بدلکم من اكله...»<sup>۲</sup>.

## ۲. انگیزه تشریح جهاد نظامی

نخستین آیاتی که پیرامون جهاد وارد شده است، برخی از آیات سوره حج است. دقت در مضمون این آیات می‌رساند که انگیزه واقعی برای تشریح جهاد همان دفاع از جان و مال بوده است. از آنجا که مسلمانان در مکه پیوسته زیر ضربات شکننده دشمن قرار داشتند و جان و مال آنان مورد تجاوز قرار می‌گرفت. تا آنجا که آنان را مجبور ساختند که خانه‌های خود را ترک کنند و در دیار غربت وارد شوند.

۱. فروع کافی ج ۵ ص ۲۴

۲. فروع کافی ج ۵ ص ۲۶

وقتی که در مدینه اجتماعی پیدا کردند و به قدرت رسیدند در این هنگام از جانب خدا مأمور شدند که به خاطر دفاع از حقوق از دست رفته خود قیام کنند و دشمن را سرکوب سازند.

قرآن کریم می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ \* أذنَ لِلَّذِينَ يَفَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ \* الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَ...)<sup>۱</sup>

دقت در این آیات ما را به انگیزه‌های جهاد آشنا می‌سازد؛ اولاً رزمندگان راه حق هرگز آغازگر جنگ نبوده‌اند بلکه پاسخگوی نبردی بودند که از طرف متجاوزان آغاز شده بود.

یعنی مسلمانان جنگ زده بودند نه جنگجو. در این صورت دفاع از خویش واجب است.

ثانیاً نشانه دوم بر تجاوز دشمن این است که آنان را به جرم اعتقاد به خداوند یگانه از خانه‌های خود بیرون ساختند. گویا اعتقاد به خداوند در نظر دشمنان آنچنان جرمی است که معتقد به آن باید محل زندگی خود را ترک کند.

ثالثاً مشرکانی که با پرستش خداوند یگانه مخالف هستند باید



به‌وسیله مردان خداپرست نابود شوند و زمین از لوٹ و جود آنها پاک گردد و در غیر این صورت معابد الهی ویران می‌گردد.

### ۳. جهاد ابتدایی یا دفاع

فقهاء جهاد را بر دو قسم تقسیم کرده‌اند: یکی را دفاعی و دیگری را ابتدایی نامیده‌اند، ولی اگر در انگیزه‌های جهاد دقت کنیم خواهیم دید که تمام جهادهای اسلامی حتی بخش ابتدایی و تعرضی آن نیز دفاعی است و توضیح این مطلب در گرو این است که مجموع انگیزه‌های جهاد ابتدایی به‌طور فشرده مطرح گردد؛

#### الف. نجات ستم‌دیدگان از تحت ظلم؛

ممکن است خود امت اسلامی مورد تجاوز قرار نگیرد، ولی گزارش برسد که گروهی تحت ستم واقع شدند و امت اسلامی قادر بر رفع ظلم و ستم است. در اینجا بر امت اسلامی لازم است که به دفاع از مظلومین قیام کند و شرّ ظالم را به خودش برگرداند. یک چنین جهادی گرچه به‌ظاهر ابتدایی است، ولی در واقع دفاعی است. دفاع از مظلومان به‌خصوص اگر مسلمان باشند.

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)<sup>۱</sup>.

### ب. جهاد برای رفع موانع؛

حال اگر تجاوز به شخص و شخصیت مسلمانی در کار نباشد، ولی حاکم مستبدی آنچنان ایجاد اختناق کند که نگذارد دعوت پیامبران که از جانب خدا برای انسان‌های عاقل فرستاده شدند به آنان برسد و مردم را در حصار قرار دهد که مانع از وصول کلام خدا باشد. آیا جهاد با چنین فرد یا نظام یک جهاد ابتدایی و تعرضی است یا جهاد دفاعی؟ اگر دقت کنیم خواهیم دید که جهاد دفاعی است زیرا جلوگیری از تبلیغ مبلغ یک نوع سلب آزادی از انسان‌ها است.

زیرا نظامی که پیوسته عقاید فاسد را به مردم تزریق می‌کند و مانع دعوت پیامبران به مردم است، ظالمی است که حقوق طبیعی را از مردم سلب کرده است. در اینجا باید سخن حق به گوش مردم برسد و موانع که ستمگران هستند از بین بروند. از آن به بعد مردم مختار هستند که حق را بپذیرند یا انکار کنند (فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ)<sup>۲</sup>.

۱. نساء / ۷۵

۲. کهف / ۲۹

### ج. مبارزه با مفسد و پیمان شکن؛

اسلام برای این آمده است تا عدالت و آزادی به معنای واقعی در روی زمین تحقق پذیرد و صلح و امنیت در جامعه حاکم شود. به‌طور مسلم برای عملی شدن این رسالت آسمانی یک منبع نیرو و قدرت لازم است، زیرا خواه ناخواه اشخاصی پیدا می‌شوند که به‌جهت منافع شخصی زیر بار عدالت نمی‌روند و گاهی آشوب و فتنه به‌پا می‌کنند. از این رو لازم است با قدرت تمام مفسدان و ستمگرانی که امنیت جامعه را به‌هم می‌زنند آنها را سر جایشان نشانند؛

(إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)<sup>۱</sup>

### ۴. مشروط بودن قتال

آیاتی که دستور به جهاد و قتال می‌دهد، برخی از آنها مطلق است و برخی مشروط و آن آیات مطلق به‌وسیله آیات مشروط محدود می‌شود و مضمون آیات مشروط این است که با کسانی بجنگید که با شما

۱. مانند/ ۳۳

۲. منشور جاوید ج ۳ ص ۱۰-۲۰

می‌جنگند. یا اینکه با آنها بجنگید زیرا پیمان‌شکن هستند و هیچ مسئله قرابت و خویشی و پیمانی را رعایت نمی‌کنند.

### آیات مطلق؛

۱. (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ).<sup>۱</sup>

۲. (انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ).<sup>۲</sup>

۳. (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ).<sup>۳</sup>

۴. (اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ).<sup>۴</sup>

۵. (وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ).<sup>۵</sup>

۶. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ).<sup>۶</sup>

و آیات دیگر مانند ۳۶ توبه، ۷۶ نساء و ۱۴ توبه.

### آیات مشروط؛

(وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ).<sup>۱</sup>

۱. توبه / ۷۳ - تحریم / ۹

۲. توبه / ۴۱

۳. حج / ۷۸

۴. مائده / ۳۵

۵. بقره / ۲۴۴

۶. توبه / ۱۲۳

در برخی از آیات می‌فرماید: دشمنان اگر بر شما غالب شوند، هیچ‌گونه خویشاوندی و پیمانی را رعایت نمی‌کنند.

(كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً).<sup>۱</sup>

قرآن کریم در برخی از آیات می‌فرماید: اعتداء و قتال با دشمن در صورتی است که آنها به شما ستم کنند؛ (الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ).<sup>۲</sup>

در برخی از آیات می‌فرماید: با کسانی که با شما سر جنگ ندارند به آنها نیکی کنید و به عدالت رفتار نمایید؛ (لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ).<sup>۳</sup>

۱. بقره / ۱۹۰

۲. توبه / ۸

۳. بقره / ۱۹۴

۴. مستحبه / ۸

## ۵. تفاوت جهاد فرهنگی با جهاد نظامی

۱. جهاد فرهنگی دائمی و همیشگی است؛ حضرت نوح علیه السلام گوید:  
(إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا).<sup>۱</sup>

لکن جهاد نظامی، مقطعی و مشروط است. قرآن کریم می‌فرماید:  
اگر دشمنان با شما جنگیدند، با آنها بجنگید؛ (فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ).<sup>۲</sup>

۲. در جهاد فرهنگی باید تلاش کرد انحراف فکری از بین برود،  
حضرت لوط علیه السلام گوید: من با عمل شما مخالف هستم و دشمنی دارم؛  
(إِنِّي لَعَمَلِكُمْ مِنَ الْفَالِینِ).<sup>۳</sup>

قرآن کریم می‌فرماید: از جمله اوصاف اولوالالباب آن است که  
به‌وسیله کار خوب، کار بد را از بین می‌برند؛ (وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ).<sup>۴</sup>  
جالب آنکه می‌فرماید: بدی را از بین می‌برند، نه شخص بد را.

از بین بردن بدی به‌وسیله احسان، کار دشواری است و مبارزه با  
نفس لازم دارد و به تعبیر دیگر در جهاد فرهنگی باید زمینه جذب  
فراهم شود، لکن در جهاد نظامی باید تلاش کرد شخص منحرف اگر  
قابل اصلاح نیست، از بین برود؛ (فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ).<sup>۵</sup>

۱. نوح / ۵

۲. بقره / ۱۹۱

۳. شعراء / ۱۶۸

۴. رعد / ۲۲

۵. توبه / ۱۲

۳. در جهاد فرهنگی نباید تسلیم خواسته دشمن شد؛ (وَلَسِّنِ أَتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ).<sup>۱</sup>
- در جهاد نظامی در برخی از شرایط باید تسلیم خواسته دشمن شد و صلح را پذیرفت؛ (وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا).<sup>۲</sup>
۴. در جهاد فرهنگی انسان عامل حیات دیگران نیز می‌شود؛ (وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَتْ أَحْيَاءَ النَّاسِ جَمِيعًا).<sup>۳</sup>
- در جهاد نظامی این‌طور نیست، بلکه افراد ستمگر باید از بین بروند و ریشه فتنه باید برچیده شود؛ (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ).<sup>۴</sup>

### ۶. فضیلت مجاهدان فرهنگی و نظامی

- اسلام برای جهاد ارزش ویژه‌ای قائل است، به همین جهت قرآن کریم برای دانشمندان درجاتی قائل است؛ (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ).<sup>۵</sup>
- از آیه شریفه استفاده می‌شود که مؤمن دارای درجه است و مؤمن

۱. بقره / ۱۲۰

۲. انفال / ۶۱

۳. مائده / ۳۲

۴. انفال / ۳۹

۵. مجادله / ۱۱

عالم دارای درجات است، وگرنه میان عالم و غیر عالم تساوی برقرار می‌شود. با اینکه قرآن می‌فرماید: عالم و غیر عالم یکسان نیستند؛ (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ).<sup>۱</sup>

و نیز برای مجاهدان نظامی پیشتاز درجات بزرگ‌تر و برتری قائل شده است؛ (لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلَ أُولَئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا...)<sup>۲</sup>.

در ارزش و فضیلت هردو مجاهد همین بس که نزدیک‌ترین مردم به درجه نبوت معرفی شده‌اند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أقرب الناس من درجة النبوة أهل العلم والجهاد».<sup>۳</sup>

گرچه مجاهدان فرهنگی برتری ویژه‌ای دارند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إذا كان يوم القيامة جمع الله عزوجل الناس في صعيد واحد وضعت الموازين فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء».<sup>۴</sup>

### مراتب فضیلت مجاهدان

هریک از مجاهدان فرهنگی و نظامی دارای فضیلت خاصی هستند،

۱. زمر/ ۹

۲. حدید/ ۱۰

۳. محجبه البيضاء ج ۱ ص ۱۴

۴. بحارالانوار / ج ۲ / ص ۱۴



اما بدین معنا نیست که همه آنان در یک ردیف و رتبه‌اند. فضیلت هریک از آنان بر دیگری بستگی به میزان عقیده و نیت خالص آنان دارد. به همین جهت در روایات گاهی مجاهد فرهنگی تشبیه به مجاهد نظامی شده که از این تشبیه معلوم می‌شود مجاهد نظامی فضیلت بیشتری دارد که طالب علم را به او تشبیه کرده‌اند، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الشَّأخَصُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».<sup>۱</sup>

و گاهی به فضیلت مجاهد فرهنگی بر مجاهد نظامی در روایات تصریح شده است، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».<sup>۲</sup>

## ۲. جهاد فرهنگی و نظامی به سود انسان

جهاد (به کسر اول) مصدر است و به معنی سعی و تلاش است و اگر به مبارزه و جنگ با دشمن جهاد اطلاق شده، به جهت تلاش و کوششی است که رزمنده و مجاهد از خود نشان می‌دهد.

یکی از معانی باب مفاعله تکثیر است و همین معنا در آیه شریفه (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ)<sup>۳</sup> بیان شده است.

۱. روضه الواعظین / ۱۰

۲. کنز العمال ۲۸۶۶۵

۳. حج / ۷۸

در آیه شریفه از سه زاویه معنای تلاش منظور شده است؛ نخست از ماده جهاد «جهد» یعنی تلاش، دوم از هیئت باب مفاعله «جاهدوا» و سوم از کلمه «حقّ جهاده».

یعنی در راه خداوند تلاش کنید، تلاش بسیار شدید و آیه شریفه اطلاق دارد. هردو جهاد فرهنگی و نظامی در شرایط مناسب خود را شامل می‌شود.

و از نظر قرآن کریم هرکس جهاد کند به سود و منفعت خویش جهاد کرده است؛ (وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ).<sup>۱</sup>

### ۸. پیامبران، بوتترین مجاهدان

قرآن کریم می‌فرماید: کسی که در راه خدا جهاد کند از هدایت پاداشی خداوند برخوردار می‌شود؛ (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ).<sup>۲</sup>

در آیه دیگر پیامبران را به عنوان مصداق و نمونه هدایت یافتگان معرفی می‌کند؛ (وَمَا لَنَا أَلَّا تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا)<sup>۳</sup> و در آیه

۱. عنکبوت/ ۶

۲. عنکبوت/ ۶۹

۳. ابراهیم/ ۱۲

سوم درباره پیامبران می‌فرماید: (وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ)<sup>۱</sup>.  
از جمع میان این سه آیه روشن می‌شود پیامبران برترین مجاهدان  
فرهنگی و نظامی بوده‌اند.

### شبهات جهاد نظامی با جهاد فرهنگی

۹. برای هردو باید حرکت و کوچ کرد؛  
جهاد نظامی (انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا)<sup>۲</sup>.  
جهاد علمی (فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ)<sup>۳</sup>.  
۱۰. در ارزش هردو همین بس که به ابزار جهاد فرهنگی و نظامی  
سوگند یاد شده است؛

(وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ... فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا)<sup>۴</sup> (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ)<sup>۵</sup>.

۱۱. در هر دو عرصه باید با جدیت برخورد کرد؛

(وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ)<sup>۶</sup> (خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ)<sup>۷</sup>.

۱. آل عمران/ ۱۴۶

۲. توبه/ ۴۱

۳. توبه/ ۱۲۲

۴. عادیات/ ۳ و ۱

۵. قلم/ ۱

۶. انفال/ ۶۰

۷. مریم/ ۱۲

۱۲. در هردو زمینه باید با هشیاری عمل کرد؛

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا) <sup>۱</sup> (أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ). <sup>۲</sup>

۱۳. در هردو زمینه باید دعا کرد؛

(تَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) <sup>۳</sup> (وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا). <sup>۴</sup>

۱۴. هردو زمینه پیوند با خداوند متعال است؛

(وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا) <sup>۵</sup> (وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ). <sup>۶</sup>

۱۵. خداوند به هردو گروه برتری بخشیده است؛

(وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا) <sup>۷</sup> (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ). <sup>۸</sup>

۱۶. هردو نیازمند صبر و استقامت است؛

جهاد نظامی؛ (رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا). <sup>۹</sup>

۱. نساء/ ۷۱

۲. یوسف/ ۱۰۸

۳. بقره/ ۲۵۰

۴. طه/ ۱۱۴

۵. آل عمران/ ۱۴۶

۶. آل عمران/ ۷۹

۷. نساء/ ۹۵

۸. مجادله/ ۱۱

۹. بقره/ ۲۵۰

جهاد فرهنگی؛ (قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُدًا \* قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا \* ... \* قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا)¹.  
 ۱۷. مجاهد نظامی و فرهنگی هردو باید اهل دنیا نباشند؛

الف. (فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ)².  
 ب. (قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ ... \*  
 وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ)³.  
 ۱۸. هردو مجاهد فقط از خداوند می‌ترسند؛

(إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)⁴ (الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا)⁵.  
 ۱۹. هردو جهاد، عامل حیات هستند؛

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ)⁶. این آیه در زمینه جهاد نظامی و جنگ بدر نازل شده است.  
 قال علیؑ: «اكتسبوا العلم يكسكم الحياة»⁷.

قال علیؑ: «هلك خزان الاموال و هم احياء و العلماء باقون ما بقى

۱. كهف / ۶۶-۶۹

۲. نساء / ۷۴

۳. قصص / ۷۹-۸۰

۴. فاطر / ۲۸

۵. آل عمران / ۱۷۳

۶. انفال / ۲۴

۷. غررالحکم ۲۴۷۸

الذهر اعیانهم مفقودة و امثالهم فی القلوب موجودة»<sup>۱</sup>.

۲۰. جهاد نظامی عامل کسب محبوبیت در نزد خداوند است؛

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ)<sup>۲</sup>.

جهاد فرهنگی نیز عامل کسب محبوبیت در نزد خداوند است؛

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «إلا ان الله يحب بغاة

العلم»<sup>۳</sup> آگاه باشید که خداوند جویندگان دانش را دوست دارد.

۲۱. به هر دو جهاد اطلاق خیر شده است؛

(كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ

لَكُمْ)<sup>۴</sup>.

سئل عن علی علیه السلام عن الخیر ما هو؟ فقال: «لیس الخیر ان یکثر مالک و

ولدک و لکن الخیر ان یکثر عملک و یعظم حلمک»<sup>۵</sup>.

۲۲. جهاد نظامی عامل نجات است؛

(هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ)<sup>۶</sup>.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷

۲. صف / ۴

۳. کافی ج ۱ ص ۷۷

۴. بقره / ۲۱۶

۵. بحار الانوار ج ۱ ص ۱۸۳

۶. صف / ۱۰-۱۱

جهاد فرهنگی نیز عامل نجات است؛ قال علی علیه السلام «العلم ینجیک  
الجهل یردیک»<sup>۱</sup>.

۲۳. در زمینه جهاد نظامی باید مردم را تشویق کرد؛

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ).<sup>۲</sup>

امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «کونوا اوعية العلم و مصابيح الدجی»<sup>۳</sup>.  
یعنی ظرف علم و دانش و چراغ‌های تاریکی باشید.

۲۴. در جهاد فرهنگی هر شخصی علمش بیشتر است لیاقت

مدیریت دارد؛ (قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ).<sup>۴</sup>

در جهاد نظامی نیز هر شخصی علمش بیشتر است، لیاقت  
فرماندهی و مدیریت دارد.

خداوند طالوت را فرمانده نظامی قرار داد با اینکه ثروت فراوانی

نداشت، لکن از علم و معرفت بهره‌مند بود؛

(وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ

الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ

اصْطَفَاكُمْ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ).<sup>۵</sup>

۱. غررالحکم ۱۵۰

۲. انفال / ۶۵

۳. بحارالانوار ج ۴۴ ص ۱۷۵

۴. یوسف / ۵۵

۵. بقره / ۲۴۷

۲۵. در جهاد نظامی رزمنده خداوند را ستایش می‌کند؛

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ ... \* التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ  
الْحَامِدُونَ ...).<sup>۱</sup>

در جهاد فرهنگی نیز دانشمندان الهی خداوند را ستایش می‌کنند؛

(وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا).<sup>۲</sup>

۲۶. آفت جهاد نظامی پیروی از هوای نفس و دنیاطلبی است. دلیل

اینکه مسلمان‌ها در جنگ احد شکست خوردند، علاوه بر نزاع و

سستی و تخلف از فرمان پیامبر، دنیا پرستی آنها بود؛

(حَتَّىٰ إِذَا فَسِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ ... مِنْكُمْ مَن يُرِيدُ الدُّنْيَا).<sup>۳</sup>

آفت جهاد فرهنگی نیز پیروی از هوای نفس و دنیاطلبی است؛

قرآن کریم درباره بلعم باعورا که از دانشمندان بنی اسرائیل است و

با اینکه مستجاب‌الدعوه بود اما بر اثر تمایل به فرعون و پیروی از

هوای نفس و دنیا طلبی منحرف شد، قرآن کریم می‌فرماید:

(وَأَنزَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ

الْعَاوِينَ \* وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ...).<sup>۴</sup>

۱. توبه / ۱۱۱-۱۱۲

۲. نمل / ۱۵

۳. آل عمران / ۱۵۲

۴. اعراف / ۱۷۵-۱۷۶



۲۷. در جهاد نظامی خداوند رزمندگان را به وسیله ملائکه تأیید

می‌کند؛

(إِذِ تَسْتَفِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِآلِفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ) ۱، (اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً وَجُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا) ۲.

در جهاد فرهنگی نیز خداوند به وسیله ملائکه جویندگان علم را مورد تکریم قرار می‌دهد؛

قال رسول الله ﷺ: «وإن الملائكة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضاً به وإنه يستغفر لطالب العلم من في السماء ومن في الأرض حتى الحوت في البحر» ۳.

۲۸. در جهاد نظامی باید در راه خدا و رضایت او جهاد کرد؛ (و)

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) ۴.

در جهاد فرهنگی نیز دانشمند باید در راه خدا و رضایت او جهاد کند؛

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ اللَّهَ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ عَظِيماً فَقِيلَ تَعَلَّمَ اللَّهَ وَعَمِلَ اللَّهَ وَعَلَّمَ اللَّهَ» ۵.

۱. احزاب / ۹

۲. احزاب / ۹

۳. کافی ج ۱ ص ۸۳

۴. توبه / ۴۱

۵. کافی ج ۱ ص ۸۴ - بحار الانوار ج ۲ ص ۲۷

۲۹. در جهاد نظامی مجاهد نباید هدف مادی داشته باشد؛ (مَا كَانَ

لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يُبْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا).<sup>۱</sup>

در جهاد فرهنگی نیز دانشمند نباید هدف مادی داشته باشد؛ (وَمَا

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ).<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام: «مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

نَصِيبٍ».<sup>۳</sup>

۳۰. در جهاد نظامی نباید پشت به دشمن کرد و نباید ترسید؛ (إِذَا

لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفُوا خَلْفًا فَلَا تُؤْكُوهُمُ الْأَدْبَارَ).<sup>۴</sup>

در جهاد فرهنگی نیز نباید از دشمنان هراس داشت و باید با

برخورد منطقی برای آنها استدلال کرد و جدال احسن نمود؛ (ادْعُ إِلَى

سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ).<sup>۵</sup>

۳۱. در جهاد نظامی نباید مغرور شد و یا ریا کرد؛ (وَلَا تَكُونُوا

كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ).<sup>۶</sup>

در جهاد فرهنگی نیز نباید به علم و تعلیم مغرور شد و نباید ریا

۱. انفال / ۶۷

۲. شعراء / ۱۰۹

۳. کافی ج ۱ ص ۹۷

۴. انفال / ۱۵

۵. نحل / ۱۲۵

۶. انفال / ۴۷

کرد؛ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: «من طلب العلم ليباهي به العلماء او يمارى به السفهاء او يصرف به وجوه الناس اليه فليتبوء مقعده من النار»<sup>۱</sup>.

عن معاوية بن وهب قال سمعت ابا عبدالله يقول: اطلبوا العلم و تزينوا معه بالحلم و الوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لا تكونوا علماء جبارين فيذهب باطلكم بحقكم»<sup>۲</sup>.

۳۲. در جهاد نظامی رزمنده کاره‌ای نیست. خداوند مقدمات نابودی دشمن را فراهم می‌کند و دشمن را به قتل می‌رساند.

در جنگ بدر خداوند مقدماتی را برای نابودی دشمن فراهم ساخت، مانند فرستادن فرشتگان به منظور کمک به مجاهدان، نزول آب از آسمان برای پاک شدن مسلمانان و از بین رفتن پلیدی شیطان، محکم ساختن قلب رزمندگان و ایجاد ترس در دل دشمنان؛

(إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ \* وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَتَطْمَئِنُّ بِيهِ قُلُوبُكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّا اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ \* إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَيَلْبِطَ عَلٰى قُلُوبِكُمْ وَ يُبَيِّنَ بِهَ الْآفَاقَ \* إِذْ يُوحى رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ)<sup>۳</sup>.

۱. کافی ج ۱ ص ۹۷

۲. کافی ج ۱ ص ۸۴

۳. انفال / ۹-۱۲

در پایان می‌فرماید: بنابراین رزمندگان دشمنان را نکشتند بلکه خداوند آنها را کشت؛ (فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ).<sup>۱</sup>

در جهاد فرهنگی نیز معلم و دانشمند کاره‌ای نیست، علم و معرفت او از خداوند است. از این رو موسی به خضر گفت اجازه هست از علومی که خداوند به تو عنایت کرده به من آموزش دهی؟ (هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا).<sup>۲</sup>

حضرت یوسف گوید: خدایا تو به من علم تعبیر خواب آموختی؛ (رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ).<sup>۳</sup>

۳۳. در جهاد نظامی رزمنده هر قدمی که برمی‌دارد عمل صالح برایش منظور می‌شود؛

(وَلَا يَطَّوْنُ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ).<sup>۴</sup>

در جهاد فرهنگی هر کلامی که معلم به دانش‌آموز یاد می‌دهد پاداش دارد، علاوه خود تعلیم علم نیز پاداش دارد؛ قال علی عليه السلام: «تعلّموا العلم فانّ تعلّمه حسنة». <sup>۵</sup>

۱. انفال/ ۱۷

۲. کهف/ ۶۶

۳. یوسف/ ۱۰۱

۴. توبه/ ۱۲۰

۵. امالی صدوق ص ۴۹۲

۳۴. در جهاد فرهنگی تعیین رهبر با خداوند است؛

(اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يُجْعَلُ رَسُولَهُ).<sup>۱</sup>

در جهاد نظامی نیز تعیین رهبر و فرمانده با خداوند است؛ (إِنَّ اللَّهَ

قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا).<sup>۲</sup>

۳۵. در هردو جهاد مقاومت و پایداری برای رهبر لازم است؛

جهاد فرهنگی؛ (فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ).<sup>۳</sup>

جهاد نظامی؛ (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ).<sup>۴</sup>

۳۶. در جهاد علمی نباید خسته شد و نباید سستی به خود راه داد.

عاقل ۱۰ نشانه دارد، یکی از آن نشانه‌ها این است که از طلب علم و

دانش خسته نمی‌شود؛ امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «لا

يسأم من طلب العلم طول دهره».<sup>۵</sup>

در جهاد نظامی نیز نباید خسته شد و نباید سستی به خود راه داد؛

(وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ).<sup>۶</sup>

۳۷. در هر دو جهاد باید حق جهاد رعایت شود؛ (وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ

حَقَّ جِهَادِهِ).<sup>۷</sup>

۱. انعام / ۱۲۴

۲. بقره / ۲۴۷

۳. هود / ۱۱۲

۴. نساء / ۸۴

۵. بحار الانوار ج ۱ ص ۱۰۸

۶. نساء / ۱۰۴

۷. حج / ۷۸

آیه شریفه اطلاق دارد و شامل هر دو جهاد می‌شود.

۳۸. در جهاد فرهنگی باید هدف دعوت مردم به سوی خدا باشد؛

(وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ).<sup>۱</sup>

در جهاد نظامی نیز باید هدف حاکمیت دین خدا باشد؛ (وَقَاتِلُوهُمْ

حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ).<sup>۲</sup>

۳۹. در جهاد فرهنگی قصد باید اصلاح مردم باشد؛ (إِنْ أَرِيدُ إِلَّا

الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ).<sup>۳</sup>

در جهاد نظامی نیز باید قصد اصلاح مردم باشد؛ قال علی عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ

فرض الجهاد وعظمه وجعله نصره وناصره والله ما صلحت دنيا ولا دين الآ به». <sup>۴</sup>

امام حسین عليه السلام فرمودند: «أَمَا خَرَجْتَ لَطْلُبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي

أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ». <sup>۵</sup>

۴۰. در جهاد فرهنگی مجاهد به رحمت خداوند امیدوار است؛

(أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ).<sup>۶</sup>

از این آیه استفاده می‌شود عالم و دانشمند حقیقی یکی از اوصافش

امیدواری به رحمت خداوند است.

۱. فصلت/ ۳۳

۲. انفال/ ۳۹

۳. هود/ ۸۸

۴. وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۹

۵. نفس المهموم ص ۴۵

۶. زمر/ ۹

در جهاد نظامی نیز مجاهد به رحمت خداوند امیدوار است؛  
 (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ  
 رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ).<sup>۱</sup>

۴۱. در جهاد فرهنگی خداوند از گریه دانشمندان تجلیل می‌کند؛  
 (إِنَّ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْآذِقَانِ سُجَّدًا ... وَ  
 يَخِرُّونَ لِلْآذِقَانِ يَنْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا).<sup>۲</sup>

در جهاد نظامی نیز خداوند از گریه رزمندگان تمجید می‌کند؛  
 (تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ).<sup>۳</sup>

۴۲. در جهاد فرهنگی باید از دیگران کمک گرفت؛  
 (وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي \* هَارُونَ أَخِي \* اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي \* وَأَشْرِكْهُ  
 فِي أَمْرِي).<sup>۴</sup>

در جهاد نظامی نیز باید از دیگران کمک گرفت؛  
 ذوالقرنین در برابر تهاجم یأجوج و ماجوج که از مفسدان فی  
 الارض بودند برای ساختن سدّ از مردم کمک خواست؛ (فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ  
 أَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا).<sup>۵</sup>

۱. بقره/ ۲۱۸

۲. اسراء/ ۱۰۷-۱۰۹

۳. توبه/ ۹۲

۴. طه/ ۲۹-۳۲

۵. کهف/ ۹۵

چنانکه قرآن کریم از حضرت عیسی علیه السلام نقل می کند: (...مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِثُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ).<sup>۱</sup>  
 امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا فرمود: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي».  
 مجاهد فرهنگی و نظامی هردو می توانند نزد خداوند شفاعت کنند.  
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُشَفَّعُهُمُ الْإِنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ».<sup>۲</sup>

مجاهد فرهنگی و نظامی هردو مرزبان هستند با این تفاوت که مجاهد فرهنگی مرزبان عقیده و فکر مردم است و مجاهد نظامی مرزبان جسم و جان و وطن مردم است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا بِالتَّغْرِ الَّذِي أِبْلِيسُ وَ عَفَارِيتهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَطَ عَلَيْهِمْ أِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ التَّوَأَصِبِ إِلَّا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التَّرْكَ وَ الْخَزَرَ الْفَ الْفَ مَرَّةً لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مَحْبِبِينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أِبْدَانِهِمْ».<sup>۳</sup>

دانشمندان پیرو ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده اند و از هجوم و حمله آنها در برابر ضعیفان جلوگیری می کنند و این مرزبانان فکری و عقیدتی از مجاهدان نظامی مانند (جهاد در برابر روم و ترک و خزر) هزار هزار بار برتری دارند، زیرا اینها از دین دوستان ما دفاع می کنند و رزمندگان از بدن مردم دفاع می کنند.

۱. آل عمران / ۵۲

۲. بحار الانوار ج ۲ ص ۱۵

۳. بحار الانوار ج ۲ ص ۵



قال الكاظم عليه السلام: «فقيه واحد ينقذ يتيماً من ايتامنا المنقطعين عنا وعن مشاهدتنا بتعليم ما هو محتاج اليه اشدّ على ابليس من الف عابد لانّ العابد همّة ذات نفسه فقط و هذا همّة مع نفسه ذات عباد الله و امانه لينقذهم من ابليس و مردته فذلك هو فضل عند الله من الف الف عابد و الف الف عابدة»<sup>۱</sup>

یک فقیه که بتواند انسان‌های یتیم و به‌دور از علم و معرفت که ارتباط آنها با ما اهل بیت منقطع است را آگاه سازد و از گمراهی نجات دهد، از هزار عابد در برابر شیطان شدیدتر است، زیرا مقصد عابد نجات خویش است و لکن مقصد فقیه نجات انسان‌ها از شر شیطان و پیروان اوست، از این رو فقیه در نزد خداوند از هزار مرد عابد و از هزار زن عابده برتر خواهد بود.

جالب اینکه اگر مجاهد فرهنگی در حال تحصیل علم و دانش از دنیا برود شهید از دنیا رفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اذا جاء الموت طالب العلم و هو علی هذا الحال مات شهيداً»<sup>۲</sup>.

۴۳. مجاهدان نظامی باید در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنند و سکوت نکنند؛ (فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ)<sup>۳</sup>.

مجاهدان فرهنگی نیز باید در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنند و ساکت ننشینند؛

قال علی عليه السلام: «لولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء الاّ یقاروا علی کظّة ظالم و لا سغب مظلوم لا لقیّت جبهها

۱. بحار الانوار ج ۲ ص ۵

۲. سفینه البحار / ماده شهد

۳. بقره / ۱۹۱

علی غار بها»<sup>۱</sup>.

اگر کسی جهاد فرهنگی را ترک کند در ذلت جهل و نادانی باقی می ماند؛ «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى ذَلِّ التَّعَلُّمِ سَاعَةً بَقِيَ ذَلُّ الْجَهْلِ أَبَدًا»<sup>۲</sup>.

اگر کسی جهاد نظامی را نیز ترک کند در ذلت و خواری به سر خواهد برد؛ قال رسول الله ﷺ: «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ الْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا فِي نَفْسِهِ وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَمُحَقًّا فِي دِينِهِ...»<sup>۳</sup>.

خدمت به مجاهد فرهنگی مورد سفارش قرار گرفته است؛ «اِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا». خدمت به مجاهد نظامی نیز مورد سفارش واقع شده است؛ «مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»<sup>۴</sup>. «مَنْ بَلَغَ رِسَالَةَ غَازٍ كَانَتْ كَمَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً وَ هُوَ شَرِيكُهُ فِي بَابِ (ثَوَابِ) غَزْوَتِهِ»<sup>۵</sup>.

نماز مجاهد فرهنگی و مجاهد نظامی بر غیر آنان فضیلت دارد؛ «رَكْعَتَانِ يَصْلِيْهُمَا الْعَالَمُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ يَصْلِيْهَا الْعَابِدُ»<sup>۶</sup>.

قال رسول الله ﷺ: «صَلَاةُ الرَّجُلِ مُتَقَلِّدًا بِسَيْفِهِ تَفْضُلٌ عَلَى صَلَاتِهِ غَيْرِ مُتَقَلِّدٍ بِسَبْعِمِائَةٍ ضَعْفٌ»<sup>۷</sup>.

۱. نهج البلاغه / خطبه ۳

۲. عوالمی الثانی ج ۱ ص ۲۸۵

۳. امالی صدوق / ۴۶۲

۴. مستدرک ج ۱۱ ص ۲۴

۵. وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۴

۶. من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۷

۷. کنز العمال / ۱۰۷۹۱

فصل دوم؛

نکته‌هایی پیرامون جها و فرسنگی

(فضیلت دانش و دانشمندان)

## ۴۴. ارزش علم و معرفت

در ارزش علم و معرفت همین بس که هدف از آفرینش آگاهی و معرفت انسان به قدرت پروردگار است؛ (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).<sup>۱</sup>

برپایی نظام آخرت نیز وابسته با علم و قدرت الهی است؛ (...قُلْ يُخَبِّرُهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ).<sup>۲</sup>

میان این مبدأ و معاد که بر اساس علم صورت گرفته، زندگی دنیاست که آن نیز بر محور علم و دانش تحقق پذیر است. زیرا هر انسانی از غذای لذیذ لذت می‌برد و از صدای خوب خوشش می‌آید، به هنگام فراق و هجران ناراحت می‌شود و به هنگام وصال شادمان می‌گردد. تمام این لذت‌ها سرور و شادمانی‌ها که در زندگی رخ می‌دهد بر اساس علم و آگاهی است. بنابراین حیات و زندگی بشر با علم و معرفت همراه است.

۱. طلاق/ ۱۲

۲. یس/ ۷۹

۴۵. ارزش تحصیل علم به هدف آن وابسته است. اگر هدف تزکیه نفس باشد ارزش دارد؛ (وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ).<sup>۱</sup>

اما گاهی هدف تفرقه بین زن و شوهر است، مانند تعلیم سحر؛ (يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ).<sup>۲</sup>

قرآن کریم هم عمل سحر را مردود دانست؛ (مَا جِئْتُمْ بِهِ السُّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُظِلُّهُ).<sup>۳</sup>

و هم ساحر را مطرود دانست؛ (وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى).<sup>۴</sup>

#### ۴۶. اهمیت علم در قرآن

۱. ۲۷ بار کلمه «اعلموا» در قرآن آمده است، مانند: (وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ).<sup>۵</sup>

۲. هدف از خلقت آسمان و زمین برای علم بوده است؛ (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).<sup>۶</sup>

۱. جمعه/ ۲

۲. بقره/ ۱۰۲

۳. یونس/ ۸۱

۴. طه/ ۶۹

۵. توبه/ ۳۶

۶. طلاق/ ۱۲

۳. هدف از بعثت انبیاء نیز تعلیم علم بوده است؛  
 (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ  
 آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ).<sup>۱</sup>
۴. امتیاز بشر بر فرشتگان به جهت علم بوده است؛  
 (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ).<sup>۲</sup>
۵. آغاز وحی با علم بوده است؛  
 (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ).<sup>۳</sup>

#### ۴۷. علم، شرط مدیریت و زمامداری

- الف. علم، شرط مدیریت؛ یوسف، دلیل بر لیاقت بر حکومت و  
 مسؤولیت را علم می‌داند؛ (قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ  
 عَلِيمٌ).<sup>۴</sup>
- ب. علم، شرط زمامداری؛ لیاقت طالوت برای فرماندهی به جهت  
 علم است؛ (وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ).<sup>۵</sup>

۱. آل عمران / ۱۶۴

۲. بقره / ۳۱

۳. عنق / ۱ و ۴

۴. یوسف / ۵۵

۵. بقره / ۲۴۷

## ۴۸. آثار علم

۱. علم، عامل نجات؛ علم به تعبیر خواب، باعث نجات یوسف علیه السلام شد؛ (وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ).<sup>۱</sup>
  ۲. علم، عامل افتخار؛ حضرت سلیمان اول به علم افتخار می‌کند، بعد به حکومت؛ (يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ).<sup>۲</sup>
  ۳. علم، عامل قدرت؛ عاصف بن برخیا گوید؛ (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ).<sup>۳</sup>
  ۴. علم، عامل صبر؛ (وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خَيْرًا).<sup>۴</sup>
  ۵. علم، عامل زهد؛ (وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ).<sup>۵</sup>
- این آیه در برابر اهل دنیا است که خداوند در آیه پیش طرز تفکر اهل دنیا را بیان می‌کند؛ (قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ).<sup>۶</sup>
۶. علم زیاد، عامل تسلیم؛ (وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا).<sup>۷</sup>

۱. یوسف / ۱۰۱

۲. نمل / ۱۶

۳. نمل / ۴۰

۴. کهف / ۶۸

۵. قصص / ۸۰

۶. قصص / ۷۹

۷. آل عمران / ۷

### ۴۹. تشخیص ارزش‌ها در پرتو علم و معرفت

۱. علم و معرفت به ارزش روزه؛ (وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ).<sup>۱</sup>
۲. علم و معرفت به خوبی صدقه و گذشت از بدهکار؛ (وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ).<sup>۲</sup>
۳. علم و معرفت به خوبی نماز جمعه و رها کردن کسب و کار؛ (إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ).<sup>۳</sup>
۴. علم و معرفت به برتری پاداش خداوند؛ (الْمَثُوبَةُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)<sup>۴</sup>، (وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ).<sup>۵</sup>
۵. علم زمینه‌ساز رفاه و آسایش و مصونیت از آسیب‌ها؛ (قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ مَا مَسَّنِيَ السُّوءُ).<sup>۶</sup>

۱. بقره/ ۱۸۴

۲. بقره/ ۲۸۰

۳. جمعه/ ۹

۴. بقره/ ۱۰۳

۵. نحل/ ۴۱

۶. اعراف/ ۱۸۸



۶. خطر هواپرستی با داشتن علم و معرفت؛ (وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ) ۱، (وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ) ۲.

### ۵۰. ضرورت پیروی از دانشمند

در ارزش و اهمیت علم همین بس که اگر کسی عالم بود باید از او پیروی کرد و اگر عالم نبود نباید از او پیروی کرد. این امر به اتباع عالم و نهی از اتباع غیر عالم هر دو در قرآن بیان شده است؛

الف. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَؤُلَاءَ هُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمًا وَعَدُوًّا مِمَّنْ بَدَّلَ اللَّهُ دِينَهُمْ وَمَا يَتَّبِعُونَ إِلَّا الْبَغْيَ وَالنَّهْيَ وَالنَّهْيَ وَالنَّهْيَ) ۳.

ب. (وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) ۴.

### ۵۱. خداوند معلم حقیقی

(الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ). هر چند معلمان بکوشند و استادان تلقین کنند، همه این‌ها اسباب هستند و آموزنده حقیقی خداوند است.

۱. بقره/ ۱۴۵

۲. بقره/ ۱۲۰

۳. مریم/ ۴۳

۴. یونس/ ۸۹

- الف) حضرت آدم عليه السلام را علم اسامی آموخت؛ (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا).<sup>۱</sup>
- ب) حضرت داوود عليه السلام را زره‌سازی آموخت؛ (وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ).<sup>۲</sup>
- ج) حضرت عیسی عليه السلام را حکمت آموخت؛ (وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ).<sup>۳</sup>
- د) حضرت خضر را علم و معرفت آموخت؛ (وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا).<sup>۴</sup>
- ه) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اسرار نظام جهان آموخت؛ (وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ).<sup>۵</sup>
- و) عالمیان را بیان بی‌آموخت؛ (خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ).<sup>۶</sup>

## ۵۲. محدودیت علم انبیاء، فرشتگان و انسان‌ها

هیچ زمانی نباید به علم و معرفت مغرور شد چون علم همه انسان‌ها حتی انبیاء و فرشتگان محدود است؛

الف. انبیاء؛

هدهد به حضرت سلیمان گفت: (أَحْطَتْ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خَيْرًا).<sup>۷</sup>

۱. بقره/ ۳۱

۲. انبیاء/ ۸۰

۳. آل عمران/ ۴۸

۴. کهف/ ۶۵

۵. نساء/ ۱۱۳

۶. الرحمن/ ۴۳ - کشف الاسرار، ج ۹، ص ۴۱۹

۷. نمل/ ۲۲

وقتی فرشتگان به دیدار حضرت لوط آمدند آنها را نشناخت؛ (فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطِ الْمُرْسَلُونَ \* قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ).<sup>۱</sup>  
ب. فرشتگان به خداوند عرضه داشتند: (سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا).<sup>۲</sup>

ج. انسان‌ها؛ (وَمَا أَوْتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا).<sup>۳</sup>

### ۵۳. اهل علم و عمل

مردم از نظر علم و عمل چهار گروه هستند:

۱- گروهی اهل علم و عمل هستند. قرآن کریم در وصف عالمان حقیقی می‌فرماید: آنان خشیت از خداوند دارند؛ (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ).<sup>۴</sup>

۲- گروهی اهل علم هستند، ولی اهل عمل نیستند. قرآن کریم در باره‌ی اهل کتاب که به مقتضای علم خویش عمل نکردند، می‌فرماید: (مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا...)<sup>۵</sup>.

۱. حجر / ۶۱-۶۲

۲. بقره / ۳۰

۳. اسراء / ۸۵

۴. فاطر / ۲۸

۵. جمعه / ۵

۳- گروهی اهل عمل هستند، ولی اهل علم نیستند. امام صادق علیه السلام در باره‌ی چنین گروهی می‌فرماید: فساد آن‌ها بیشتر از اصلاح آن‌هاست. عن ابی عبدالله علیه السلام: «مَنْ عَمِلَ عَلَيَّ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَمَا يَفْسُدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ»<sup>۱</sup>.

همچنین می‌فرماید: هر چه در عمل سرعت گیرد، از حقیقت بیشتر دور می‌شود؛ «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لا یزیده سرعة السیر اِلَّا بَعْدًا»<sup>۲</sup>.

۴- گروهی نه اهل علم هستند، نه اهل عمل؛ مانند جاهلانی که وظایف خویش را یاد نمی‌گیرند و طبعاً عمل هم نمی‌کنند.

#### ۵۴. نشانه علاقه به علم و دانش

هرکسی که مدعی تحصیل علم و دانش است، برای تشخیص صداقت او نشانه‌هایی وجود دارد، از جمله:

الف. هزینه مالی کردن؛

چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام صدقه می‌داد و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤالاتی می‌کرد؛ (ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَي نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ)<sup>۳</sup>.

۱. اصول کافی/ ج ۱/ ص ۳۵

۲. اصول کافی/ ج ۱/ ص ۳۴

۳. مجادله/ ۱۳

ب. به دنبال معلم حرکت کردن؛

چنانکه حضرت موسی علیه السلام دنبال حضرت خضر علیه السلام حرکت کرد؛  
 (قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا).<sup>۱</sup>

ج. دعا کردن؛ (وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا).<sup>۲</sup>

د. هجرت کردن؛ (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ).<sup>۳</sup>

### ۵۵. علم، وسیله است نه هدف

در قرآن، علم هدف شمرده نشده است بلکه وسیله‌ای است برای رشد و هدایت و رسیدن به مقصد. در مورد حضرت موسی علیه السلام و خضر قرآن چنین بیان می‌کند: (قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا)؛

آیا من اجازه دارم از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح من است به من بیاموزی؟

از تعبیر رشداً چنین استفاده می‌شود که علم هدف نیست بلکه برای راه یافتن به مقصود و رسیدن به خیر و صلاح می‌باشد. چنین علمی ارزشمند است و باید از استاد آموخت.

۱. کهف/ ۶۶

۲. طه/ ۱۱۴

۳. توبه/ ۱۲۲

۴. کهف/ ۶۶

## ۵۶. محور بودن علم

خداوند متعال در قرآن، بندگان خویش را متوجه دو امر کرده است:

الف. تا علم و آگاهی ندارد، سخنی نگوید؛ (الْمُ يُؤْخَذُ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ

الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ).<sup>۱</sup>

ب. تا علم و آگاهی ندارند، سخنی را ردّ نکنند؛ (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ

يُحِيطُوا بِهِ).<sup>۲</sup>

## ۵۷. فضیلت علم

(رَبُّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ).<sup>۳</sup>

حضرت یوسف علیه السلام دارای جمال ظاهر و کمال باطن بود. جمال

ظاهری و زیبایی او باعث رسیدن بلا به او شد که مدتی در زندان به

سر برد، اما کمال باطنی که علم و معرفت است، باعث نجات او از این

بلا شد.<sup>۴</sup>

۱. اعراف/ ۱۶۹

۲. یونس/ ۴۰؛ نور الثقلین/ ج ۲/ ص ۳۰۵

۳. یوسف/ ۱۰۱

۴. لطایفی از قرآن کریم/ ص ۲۷۸

## ۵۸. تقدم فضایل نفسانی

(وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ).<sup>۱</sup>

هنگامی که بنی اسرائیل از پیامبرشان تقاضای تعیین فرماندهی برای جنگ با دشمنان خود کردند، خداوند متعال طالوت را انتخاب و او را به نیرومندی در علم و جسم توصیف کرد. در آیه‌ی شریفه کلمه‌ی «العلم» بر «الجسم» مقدم شده‌است، شاید اشاره به این باشد که علم و فضایل نفسانی بر فضایل جسمانی تقدم دارد.<sup>۲</sup>

## ۵۹. تقدم تربیت بر تعلیم

در چهار مورد از قرآن کریم، هدف انبیا را تعلیم و تربیت عنوان کرده‌است. در سه مورد، تربیت و تزکیه بر تعلیم مقدم شمرده شده<sup>۳</sup> و تنها در یک مورد تعلیم بر تربیت و تزکیه مقدم شده‌است.<sup>۴</sup> سرّ تقدم تزکیه آن است که تزکیه و تربیت علت نهایی برای رسالت است و علت نهایی در قصد و تصور مقدم است، لیکن چون در عمل وجود خارجی مسئله‌ی تعلیم مقدم بر تربیت است، در این آیه تعلیم پیش‌تر ذکر شده‌است.<sup>۵</sup>

۱. بقره/ ۲۴۷

۲. تفسیر کبیر/ ج ۶/ ص ۱۸۶

۳. بقره/ ۱۵۱؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲

۴. بقره/ ۱۲۹

۵. روح المعانی/ ج ۲/ ص ۱۹

## ۶۰. فضل به معنای علم و معرفت

قرآن کریم در برخی از آیات می‌فرماید ما به داود از فضل خود نعمتی بخشیدیم (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا)<sup>۱</sup>. نکره بودن فضل دلالت بر عظمت فضل الهی دارد. در اینکه منظور از فضل چیست، در آیات دیگر بیان شده است که منظور علم و معرفت است؛ (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ)<sup>۲</sup> و آیه ۱۶ نمل نیز همین مضمون را بیان می‌کند؛ (وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلْمُنَا مِنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ).

## ۶۱. علم به معنای دلیل

واژه علم به دو معناست؛

الف. دانش؛ (قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ)<sup>۳</sup>.

ب. دلیل؛ (... قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَكْدًا \* مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ...)<sup>۴</sup>.

سر اینکه علم در آیه شریفه به معنای دلیل است آن است که اگر

۱. سبأ/ ۱۰

۲. نمل/ ۱۵

۳. بقره/ ۶۰

۴. کهف/ ۴-۵



واقعاً علم نداشته باشند معذور هستند، بنابراین به این کار باطل خود علم داشتند و لکن دلیلی بر آن نداشتند. ثانیاً نظیر این آیه کلمه سلطان آمده که به معنای دلیل است؛ (قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وِكْدًا ... إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا...)<sup>۱</sup>.

## ۶۲. نور علم و ایمان، عامل وحدت

(وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ).<sup>۲</sup>

در آیات قرآن «نور» به صورت مفرد و «ظلمت» به صورت جمع یعنی «ظلمات» آمده است. ممکن است این تعبیر اشاره به این حقیقت باشد که ظلمت (اعم از حسی و معنوی) همواره سرچشمه‌ی پراکندگی‌ها و جدایی‌هاست، در صورتی که نور، رمز وحدت و اجتماع است.

بسیار با چشم خود دیده‌ایم که در یک شب تابستانی چراغی در وسط حیاط یا بیابان روشن می‌کنیم، در مدت کوتاهی همه گونه حشرات گرد آن جمع می‌شوند، اما هنگامی که آن را خاموش می‌کنیم، هر کدام به طرفی می‌روند و پراکنده می‌گردند. در مسأله‌ی معنوی و اجتماعی نیز همین گونه است؛ نور علم و ایمان مایه‌ی وحدت، و ظلمت جهل و کفر و نفاق عامل پراکندگی است.<sup>۳</sup>

۱. یونس/ ۶۸

۲. انعام/ ۱

۳. نمونه/ ج ۵ ص ۱۴۷

### ۶۳. هدف از آموزش معارف

(وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلَّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ).<sup>۱</sup>

کلمه‌ی «ربانی» منسوب به «رب» است و الف و نون برای دلالت بر تعظیم و کثرت، به آن افزوده شده است. بنا بر این، ربانی کسی است که ارتباطش با خداوند زیاد و اشتغال او به بندگی خدا بسیار باشد. در این آیه‌ی شریفه، خداوند هدف از آمدن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را این می‌داند که قوم او در پرتو تعلیم و تدریس معارف الهی، عالم ربانی گردند. اگر انسان به تعلیم و تدریس بپردازد و این هدف را (عالم ربانی شدن) فراموش کند، تمام تلاش‌های او نابود می‌شود و مانند درخت بی میوه می‌گردد. بدین جهت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ».<sup>۲</sup>

### ۶۴. دانش بشری

علوم و دانش‌های بشری هم سابقه عدم دارد و هم لاحق عدم دارد: الف. سابقه‌ی عدم؛ (وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا).<sup>۳</sup>

۱. آل عمران / ۷۹

۲. المیزان / ج ۳ ص ۲۷۶؛ تفسیر کبیر / ج ۸ ص ۱۲۰

۳. نحل / ۷۸

ب. لاحقوی عدم؛ (وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا).<sup>۱</sup>

## ۶۵. دو گونه بودن علم

علم بر دو قسم است؛

۱. حصولی؛ (وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ).<sup>۲</sup>
۲. از راه وحی و نبوت؛ (وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا) (۳) يَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۴) (وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ).<sup>۳</sup>

## ۶۶. علوم سه گانه

به طور کلی فراگرفتن علوم و دانش‌ها بر سه قسم است؛ قسمتی از علوم و دانش‌ها نه دانستن آن منفعت دارد نه ندانستن آن ضرر مانند

۱. نحل / ۷۰

۲. نحل / ۷۸

۳. نساء / ۱۱۳

۴. بقره / ۱۵۱

۵. انعام / ۹۱

علم به انساب و احساب مردم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «ذاک علم لا ینفع من علمه و لا یضر من جهله».

برخی از علوم ضرر دارد و هیچ منفعتی ندارد مانند تعلیم سحر؛ (وَ یَتَعَلَّمُونَ مَا یَضُرُّهُمْ وَ لَا ینْفَعُهُمْ)<sup>۱</sup>، برخی از علوم نه تنها هیچ ضرر ندارد، بلکه منفعت نیز دارد مانند علمی که مایه‌ی رشد و تکامل انسان است؛ (قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَبِعَكَ عَلٰی اَنْ تَعْلَمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا)<sup>۲</sup>.

#### ۶۷. نیاز تعلیم و تربیت به مهربانی

تعلیم و تربیت در صورتی تأثیر دارد که با مهربانی همراه باشد، از این رو قرآن کریم رحمت خداوند را در کنار تعلیم و تربیت او آورده است:

الف. تعلیم و رحمت؛ (الرَّحْمٰنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ).

ب. تربیت و رحمت؛ (الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ \* الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ).

۱. بقره/ ۱۰۲

۲. کهف/ ۶۶

## ۶۸. دلیل پیروی از عالم

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ جَاءَ تِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكُمْ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكُمْ صِرَاطًا سَوِيًّا).<sup>۱</sup>

در آیه‌ی فوق ابراهیم علیه السلام عمویش آزر را به پیروی از خود دعوت می‌کند. با این که قاعدتاً عمویش از او بسیار بزرگتر و در آن جامعه سرشناس‌تر بود و دلیل آن را این ذکر می‌کند که من علوم دارم که نزد تو نیست؛ (قَدْ جَاءَ تِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكُمْ). این یک قانون کلی در باره‌ی همه است که در آنچه آگاه نیستند، از آگاهان پیروی کنند و این در واقع برنامه‌ی رجوع به متخصصان هر فن و از جمله مسأله‌ی تقلید از مجتهد را در فروع احکام اسلامی مشخص می‌سازد. گفتنی است بحث ابراهیم علیه السلام درباره‌ی اصول دین بود.<sup>۲</sup>

## ۶۹. تأثیر متقابل علم و ایمان

از نظر قرآن کریم علم و ایمان تأثیر متقابلی در یکدیگر دارند و ارتباط تنگاتنگی میان آن دو برقرار است و طبیعی است که ایمان عالمان حقیقی و وارسته بیشتر است. چه این که خداوند علم و دانش

۱. مریم/ ۴۳

۲. نمونه/ ج ۱۳/ ص ۸۰

مؤمنان واقعی را به دلیل ایمانشان افزون می‌کند.

- الف- تأثیر ایمان و تقوا در افزونی علم؛ (وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهَ).<sup>۱</sup>  
 ب- تأثیر علم در ایمان؛ (وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا).<sup>۲</sup> «و الراسخون في العلم يقولون ءامننا به كل من عند ربنا».

### ۷۰. ویژگی‌های دانشمندان الهی:

الف) ایمان و عقل؛ (...الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ)<sup>۳</sup>؛

ب) خشیت از خدا؛ (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)<sup>۴</sup>؛

ج) سجده و گریه؛ (...إِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْآذْقَانِ سُجَّدًا)<sup>۵</sup>؛

(وَيَخِرُّونَ لِلْآذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا)<sup>۶</sup>؛

د) درک اسرار هستی؛ (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ

۱. بقره / ۲۸۲

۲. آل عمران / ۷

۳. آل عمران / ۷

۴. فاطر / ۲۸

۵. اسراء / ۱۰۷

۶. اسراء / ۱۰۹

الستتکم و آلوانکم إن فی ذلک لآیاتٍ للعالمین)؛

## ۷۱. دانشمندان و ارثان پیامبران

پیامبران دارای کمالات و فضائل فراوانی هستند از جمله معلم کتاب خداوند و مبین احکام الهی و به عنوان منذران و بیم‌دهندگان معرفی شده‌اند. دانشمندان حقیقی میراث‌بر کمالات پیامبران هستند.

الف. پیامبران معلم کتاب خداوند هستند؛ (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ)<sup>۱</sup>، دانشمندان نیز معلم کتاب خداوند معرفی شده‌اند؛ (وَ لَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ)<sup>۲</sup>.

ب. پیامبران مبین احکام الهی هستند؛ (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)<sup>۳</sup>، دانشمندان نیز مبین احکام الهی معرفی شده‌اند؛ (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ)<sup>۴</sup>.

ج. پیامبران بیم‌دهندگان مردم از عذاب قیامت هستند؛ (وَ مَا نُرْسِلُ

۱. روم / ۲۲

۲. جمعه / ۲

۳. آل عمران / ۷۹

۴. نحل / ۴۴

۵. آل عمران / ۱۸۷

الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ<sup>۱</sup>، دانشمندان نیز به‌عنوان بیم دهندگان معرفی شده‌اند؛ (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)<sup>۲</sup>.

## ۷۲. ترفیع درجات عالم

(يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ)<sup>۳</sup>.

آیه‌ی شریفه دلالت دارد بر این که مؤمنان دو طایفه هستند: کسانی که تنها مؤمن هستند و آن‌هایی که هم مؤمنند و هم عالم. طایفه‌ی دوم بر طایفه‌ی اول برتری دارند. همچنان که در جای دیگری می‌فرماید: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)<sup>۴</sup>.

بنابراین، مسأله‌ی ترفیع درجات در آیه، مخصوص علمای از مؤمنین است، اما بقیه‌ی مؤمنین تنها یک درجه دارند و تقدیر آیه‌ی شریفه چنین است: (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ)<sup>۵</sup>.

۱. انعام/ ۴۸

۲. توبه/ ۱۲۲

۳. مجادله/ ۱۱

۴. زمر/ ۹

۵. المیزان/ ج ۱۹/ ص ۲۱۶



### ۷۳. دانشمند هم‌ردیف ملائکه

(شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ).<sup>۱</sup>

در این آیه‌ی شریفه دانشمندان واقعی هم‌ردیف فرشتگان قرار گرفته‌اند و این خود امتیاز دانشمندان بر دیگران را روشن می‌کند و نیز از آیه استفاده می‌شود که امتیاز دانشمندان از این جهت است که در پرتو علم به حقایق، به یگانگی خدا که بزرگترین حقیقت است، معترفند.<sup>۲</sup>

### ۷۴. نام راسخان در علم، کنار نام خدا

(وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ).<sup>۳</sup>

حقایق قرآن را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند. در عظمت علم واقعی و علمای راستین، همین بس که نام آنان در ردیف نام مقدس خداوند آمده و مقامشان بعد از مقام الهی است.<sup>۴</sup>

۱. آل عمران / ۱۸

۲. نمونه / ج ۲ / ص ۳۴۸؛ مجمع البیان / ج ۲ / ص ۷۱۶

۳. آل عمران / ۷

۴. نور / ج ۲ / ص ۲۰

## ۷۵. علمای راستین و رضایت الهی

گاهی قرآن کریم می‌فرماید: شرط رسیدن به مقام رضای حق آن است که انسان از خداوند هراسناک باشد؛ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ)¹.

و گاهی نیز می‌فرماید: علمای راستین از خداوند هراسناک هستند؛ (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)².

جمع میان این دو آیه‌ی شریفه چنین است: علمای راستین به مقام ارجمند رضای حق نایل می‌گردند.³

## ۷۶. ادب شاگرد و استاد

(قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنِّي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا \* قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا \* ... \* قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا)⁴.

در گفتگوهایی که میان موسی علیه السلام و آن مرد عالم الهی (خضر) انجام شد، نکته‌های جالبی در «ادب شاگرد و استاد» به چشم می‌خورد. مانند: \* - موسی علیه السلام خود را تابع خضر معرفی می‌کند؛ «أَتَّبِعُكَ».

۱. بینه / ۸

۲. فاطر / ۲۸

۳. تفسیر موضوعی / ج ۹ / ص ۲۴۵

۴. کهف / ۶۶-۶۹

\* - موسی عليه السلام بیان تابعیت را به صورت تقاضای اجازه از او ذکر می‌کند؛ «هل أتبعك».

\* - او خود را نیازمند تعلم، و استادش را دانا معرفی می‌کند؛ «علی أن تعلمن».

\* - در مقام تواضع، علم استاد را بسیار معرفی می‌کند و خود را طالب فرا گرفتن گوشه‌ای از علم او؛ «مما».

\* - علم استاد را علم الهی یاد می‌کند؛ «علمت».

\* - از او طلب ارشاد و هدایت می‌کند؛ «رشدأ».

\* - به استاد می‌گوید: همان گونه که خدا به تو لطف کرده و تعلیم داده، تو نیز این لطف را در حق من بکن؛ «تعلمن مما علمت».

\* - جمله‌ی «هل أتبعك» این واقعیت را می‌رساند که شاگرد باید به دنبال استاد برود، این وظیفه‌ی استاد نیست که به دنبال شاگرد برود (مگر در مورد خاص).

\* - موسی عليه السلام با آن مقام بزرگی که داشت (پیامبر اولوالعزم و صاحب رسالت و کتاب بود) این همه تواضع می‌کند؛ یعنی هر که هستی و هر مقامی که داری، در مقام کسب دانش باید فروتن باشی.

\* - او در مقام تعهد خود در برابر استاد، تعبیر قاطعانه‌ای نکرد، بلکه گفت: «ستجدنی إن شاء الله صابراً»؛ ان شاء الله مرا شکیباً خواهی یافت که هم ادبی است در برابر پروردگار و هم در مقابل استاد که اگر

تخلفی رخ دهد، هتک احترامی نسبت به استاد نشده باشد. ذکر این نکته ضروری است که عالم ربانی در مقام تعلیم، بردباری و حلم را از خود نشان داد. زیرا هر گاه شاگرد اعتراض می‌کرد، او تنها با خونسردی به صورت استفهام می‌پرسید: «من نگفتم نمی‌توانی در برابر کارهای من شکیبی باشی»<sup>۱</sup>؟

## ۷۷. خطرات علم و دانش

۱. کتمان؛ (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ).<sup>۲</sup>
۲. حسادت؛ (وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ).<sup>۳</sup>
۳. هوی پرستی؛ (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ).<sup>۴</sup>
۴. تحریف؛ (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ).<sup>۵</sup>

۱. نمونه/ ج ۱۲/ ص ۵۲۱؛ تفسیر کبیر/ ج ۲۱/ ص ۱۵۱

۲. بقره/ ۱۷۴

۳. آل عمران/ ۱۹

۴. جاثیه/ ۲۳

۵. مانده/ ۴۱

## ۷۸. خطر دانشمندان منحرف

(فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ بِهَا بِإِذْنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ).<sup>۱</sup>

تنها آیه‌ای که در آن سه بار کلمه‌ی «ویل» به کار رفته، همین آیه است و در آن خطر علما و دانشمندان دنیا پرست بیان شده است. بدعت، دین سازی و دین فروشی از جمله خطراتی است که از ناحیه‌ی دانشمندان فاسد متوجه مردم می‌شود و این عمل یک جریان خطرناک، در هر زمانی وجود داشته است. «یکتبون» فعل مضارع و نشانه‌ی استمرار است.<sup>۲</sup>

## ۷۹. عذاب دانشمندان منحرف

خداوند نفرین خود و فرشتگان و همه‌ی مردم را بر کسانی که مرتد هستند، لازم دانسته است؛ (كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ \* أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ).<sup>۳</sup>

۱. بقره/ ۷۹

۲. نور/ ج ۱/ ص ۱۷۷

۳. آل عمران/ ۸۶-۸۷

در نکوهش و عذاب دانشمندان منحرف همین بس که خداوند مشابه نفرین بر مرتدان را برای دانشمندان منحرف نیز بیان کرده است: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ).<sup>۱</sup>

### ۸۰. لزوم تحصیل معارف دینی برای انذار مردم

(فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ).<sup>۲</sup>

منظور از تفقه در دین، فهمیدن همه‌ی معارف دینی از اصول و فروع آن است، نه خصوص احکام عملی که فعلاً در لسان علمای دین کلمه‌ی فقه، بدین اصطلاح به کار می‌رود. زیرا انذار فقط با بیان فقه اصطلاحی؛ یعنی با گفتن مسائل عملی صورت نمی‌گیرد، بلکه احتیاج به بیان اصول عقاید نیز دارد.<sup>۳</sup>

۱. بقره/ ۱۵۹

۲. توبه/ ۱۲۲

۳. میزان/ ج ۱۹ ص ۴۰۴

## ۸۱. دانشمندان واقعی و خضوع در برابر آیات الهی

قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا<sup>۱</sup>

قرآن کریم در این آیه برای درهم شکستن غرور مخالفان نادان می‌گوید: چه ایمان بیاورید، چه ایمان نیاورید، آن‌ها که پیش از این علم و دانش به آن‌ها داده شده است، هنگام تلاوت قرآن بر آنان، با تمام صورت به خاک می‌افتند.

منظور از «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ»، جمعی از علمای یهود و نصاری است.

چنانچه آیه‌ی: (لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ)<sup>۲</sup> به این معنا اشاره دارد. «يَخِرُّونَ» یعنی بی اختیار به زمین می‌افتند. به کار بردن این تعبیر به جای «یسجدون» اشاره به این معناست که آگاهان بیدار دل به هنگام شنیدن آیات الهی چنان مجذوب و شیفته‌ی سخنان الهی می‌شوند که بی اختیار به سجده می‌افتند.

«أَذْقَانِ» جمع «ذقن» به معنای چانه است. هنگام سجده کردن کسی

۱. اسراء/ ۱۰۷

۲. آل عمران/ ۱۱۳

چانه بر زمین نمی‌گذارد، اما تعبیر آیه اشاره به این است که آنها با تمام صورت در پیشگاه خدا بر زمین می‌افتند، حتی چانه‌ی آنها که آخرین عضوی است که به هنگام سجده ممکن است به زمین برسد، در پیشگاه با عظمتش بر زمین قرار می‌گیرد.



فصل سوم؛

نکتہ تالی پیرامون جہاد نظامی

(فضیلت جہاد و مجاہدان)

## ۸۲. سیمای دشمنان اسلام

۱. هیچ نوع پیمان و خویشاندی را رعایت نمی‌کنند.
۲. به زبان از شما راضی هستند و از نظر قلبی خیر؛ (كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ).<sup>۱</sup>
۳. آنان دنیاطلب هستند؛ (اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا).<sup>۲</sup>
۴. آنان پیمان شکن‌اند؛ (أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ)<sup>۳</sup>، این آیه وصف مشرکان است.
- (الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ)<sup>۴</sup>، این آیه وصف یهودیان است.
۵. ایمان به مبدأ و معاد ندارند؛ ۶. به محرمات الهی حرمت قائل نمی‌شوند؛ ۷. به دین حق پایبند نیستند؛

۱. توبه / ۸

۲. توبه / ۹

۳. توبه / ۱۳

۴. انفال / ۵۶

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ.<sup>۱</sup>

۸. می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند؛ (بُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ).<sup>۲</sup>

۹. فتنه‌جو هستند؛ ۱۰. واقعیات را وارونه جلوه می‌دهند؛ (لَقَدْ ابْتَغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ).<sup>۳</sup>

۱۱. سوگند می‌خورند از شما هستند با اینکه این چنین نیست؛  
۱۲. آنان گروه تفرقه‌انگیزاند؛ (وَ يَخْلِقُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ).<sup>۴</sup>

۱۳. در صورت شرکت در جنگ جز فساد و تباهی چیزی به بار نمی‌آورند؛ (لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا).<sup>۵</sup>

۱۴. پیامبر اکرم ﷺ را اذیت می‌کردند؛ (وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ).<sup>۶</sup>  
۱۵. تا توان دارند با شما می‌جنگند؛ (وَ لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى

۱. توبه/ ۲۹

۲. توبه/ ۳۲

۳. توبه/ ۴۸

۴. توبه/ ۵۶

۵. توبه/ ۴۷

۶. توبه/ ۶۱

يَرُدُّوْكُمْ عَن دِيْنِكُمْ اِنْ اسْتَطَاعُوْا.<sup>۱</sup>

۱۶. دوست دارند شما مسلمانان از تجهیزات نظامی و مادی غافل شوید؛ (وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ اَسْلِحَتِكُمْ وَاَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَیْكُمْ مِیْلَةً وَّاحِدَةً).<sup>۲</sup>

۱۷. دوست دارند شما به رنج بیفتید؛ (وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ).<sup>۳</sup>

۱۸. دوست دارند شما گمراه شوید؛ (وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوْكُمْ).<sup>۴</sup>

۱۹. آنها دوست ندارند هیچ خیری به شما برسد؛ (مَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِيْنَ اَنْ يُنْزَلَ عَلَیْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ).<sup>۵</sup>

۲۰. اگر به شما خیری برسد ناراحت می شوند. و اگر بدی به شما برسد خوشحال می شوند؛ (اِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوْهُمُ وَاِنْ تُصِیْبْكُمْ سَیِّئَةٌ يَنْزِعُوْا بِهَا).<sup>۶</sup>

۱. بقره/ ۲۱۷

۲. نساء/ ۱۰۲

۳. آل عمران/ ۱۱۸

۴. آل عمران/ ۶۹

۵. بقره/ ۱۰۵

۶. آل عمران/ ۱۲۰

### ۸۳. برخورد‌های مثبت پیرامون جنگ و جهاد

گروهی برای رفتن به جهاد هجرت می‌کنند؛ (وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا).<sup>۱</sup>  
 و گروه دیگری به استقبال جبهه و جهاد می‌روند و از این که توفیق حضور در صحنه را پیدا نکردند، ناراحت هستند؛ (وَ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ).<sup>۲</sup>

### ۸۴. برخورد‌های منفی پیرامون جنگ و جهاد

گروهی رفتن به جنگ و جهاد را امر سنگینی می‌دانند؛  
 (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا).<sup>۳</sup>  
 گروهی از رفتن به جنگ و جهاد می‌ترسند؛  
 (فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ).<sup>۴</sup>  
 گروهی از جبهه و جنگ فرار می‌کنند؛

۱. حج / ۵۸

۲. توبه / ۹۲

۳. توبه / ۳۸

۴. نساء / ۷۷

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَمْ تَمْتَعُوا إِلَّا قَلِيلًا<sup>۱</sup>.

گروهی درباره‌ی جبهه رفته‌ها نیش می‌زنند و می‌گویند: رزمندگان اگر به جبهه نرفته بودند، به شهادت نمی‌رسیدند؛

(لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا)<sup>۲</sup>.

### ۸۵. برخورد منفی منافقان با جهاد نظامی

۱. منافقان به جهت اینکه مؤمن به مبدأ و معاد نیستند، در پی اجازه مرخصی هستند؛

(إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ)<sup>۳</sup>.

۲. منافقان هرگز تصمیم به شرکت در جنگ را ندارند و گرنه آمادگی پیدا می‌کردند؛

(وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ)<sup>۴</sup>.

۱. احزاب / ۱۶

۲. آل عمران / ۱۵۶

۳. توبه / ۴۵

۴. توبه / ۴۶

۳. منافقان واقعیات را برای رهبر اسلام وارونه جلوه می‌دهند و به دنبال فتنه‌گری هستند؛

(لَقَدْ ابْتَغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ) ۱.

۴. منافقان پیامبر اکرم ﷺ را عامل فتنه می‌دانند؛ (اِذْنَنِي لِي وَلَا تَفْتِنِي) ۲.

۵. اگر به رهبر اسلام نیکی برسد و پیروز شود ناراحت می‌شوند.

۶. و اگر مصیبت و شکستی برسد می‌گویند ما چاره خویش را از قبل

اندیشیده‌ایم (و این را پیش‌بینی می‌کردیم)؛ (إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ فَرِحُونَ) ۳.

۷. از اینکه در جهاد شرکت نکردند شادمان‌اند.

۸. از رفتن به جهاد کراهت دارند.

۹. دیگران را از رفتن به جهاد منع می‌کنند؛ (فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ

خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ) ۴.

۱۰. به هنگام نزول دستور جهاد، فرار می‌کنند؛ (وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ

نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا) ۵.

۱. توبه / ۴۸

۲. توبه / ۴۹

۳. توبه / ۵۰

۴. توبه / ۸۱

۵. توبه / ۱۲۷

## ۸۶. دستور جامع در باره جهاد

قرآن کریم شش دستور در زمینه جنگ و جهاد می‌دهد؛

۱- ای اهل ایمان هنگامی که با گروهی از دشمنان مواجه شدید، ثابت قدم باشید؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا).

۲- خداوند را فراوان یاد کنید تا پیروز شوید؛ (وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ).

۳- از خدا و پیامبر اطاعت کنید؛ (وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ).

۴- نزاع و کشمکش نکنید تا مبادا سست شوید و قدرت و هیبت شما از میان برود؛ (وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ).

۵- صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است؛ (وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ).

۶- مانند کسانی نباشید که از سرزمین خود از روی غرور و هواپرستی و خودنمایی خارج شدند؛ (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ).

مجموع این امور شش‌گانه، دستور جامعی است که همه‌ی امور نظامی را در بر می‌گیرد و اگر انسان در باره‌ی جنگ‌های اسلامی که در



زمان رسول خدا ﷺ اتفاق افتاد، از قبیل جنگ بدر و احد و خندق و حنین و غیر آن کاملاً دقت کند، این معنا برایش روشن می‌گردد که سر غلبه و پیروزی مسلمین، در آنجا که غالب شدند، رعایت مواد این دستورات بوده، و رمز شکست خوردنشان هر جا که شکست خوردند، رعایت نکردن و سهل‌انگاری در آن‌ها بوده است.<sup>۱</sup>

## ۸۷ هدف از جهاد با دشمن

در قرآن کریم برای جهاد با دشمنان اسلام اهداف مختلفی ذکر شده که به برخی از آن اشاره می‌شود؛

- الف- ترساندن دشمنان خداوند و دشمنان مسلمان‌ها؛ (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ).<sup>۲</sup>
- ب- حفظ مراکز عبادی و مساجد الهی؛ (وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُمْ صَوَامِعَ وَ بِيَعَ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ).<sup>۳</sup>
- ج- از میان رفتن فساد در زمین؛ (وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ).<sup>۴</sup>

۱. المیزان/ ج ۹/ ص ۹۶

۲. انفال/ ۶۰

۳. حج/ ۴۰

۴. بقره/ ۲۵۱

د- خواری و رسوایی دشمنان؛ (قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ).<sup>۱</sup>

ه- نابود ساختن شرک و بت پرستی و حاکمیت بخشیدن به دین الهی؛ (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ).<sup>۲</sup>

### ۸۸. حفاظت از دین به وسیله جهاد

از نظر قرآن کریم مسئله حفاظت از دین و مکتب، از ناحیه خداوند امری مسلم و قطعی است؛ (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ).<sup>۳</sup> از این رو در بعضی از آیات می فرماید: اگر مسلمانان از دین الهی برگردند، این طور نیست که خداوند دست از دین خود بردارد. افرادی را می آورد که محب و محبوب او باشند و دین او را به وسیله جهاد در راه خدا نگهداری کنند؛ (مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ).<sup>۴</sup>

مشابه همین معنا را در آیات دیگری بیان می کند و می فرماید: اگر شما به میدان جنگ و جهاد حرکت نکنید، مشمول عذاب الهی

۱. توبه ۱۴

۲. انفال ۳۹

۳. حجر ۹

۴. مائده ۵۴

می‌شوید و خداوند گروه دیگری غیر از شما را برای حفاظت از دین خود می‌آورد؛ (إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَاباً أَلِيماً وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ).<sup>۱</sup>

بنابراین، اگر خداوند دین خود را یاری می‌کند، چه بهتر که ما وسیله یاری دین او باشیم تا سعادت ابدی را برای خویش تأمین کنیم. بدین جهت در ادعیه آمده است: خداوندا! ما را یاور دین خود قرار بده و دیگران را به جای من قرار مده؛ «واجعلني ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري».<sup>۲</sup>

## ۸۹. سیمای جهادگران واقعی

قرآن کریم پس از بیان معامله سودمند با خداوند و خریدن جان آنان در برابر بهشت، جهادگران واقعی را با نه صفت می‌ستاید؛ (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ ... \* الثَّابِتُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)؛<sup>۳</sup>

۱. توبه کنندگان. ۲. عبادت پیشگان. ۳. ستایشگران. ۴. تلاشگران.

۱. توبه / ۳۹

۲. محاضرات

۳. توبه / ۱۱۱-۱۱۲

۵. رکوع کنندگان. ۶. ساجدان. ۷. آمران به معروف. ۸. ناهیان از منکر. ۹. حافظان حدود الهی.

یکی از عابدان ناآگاه، به امام سجاد علیه السلام گفت: ترکت الجهاد و صعوبته و أقبلت إلى الحج و لیتته؟؛ تحمل سختی جهاد را رها کرده، به آسانی انجام دادن حج روی آورده‌ای؟ آیا این آیه را نخوانده‌ای: (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...؟) حضرت در پاسخ وی فرمود: آیا آیه‌ی بعدی آن را نخوانده‌ای: (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ...؟)

یعنی اگر یاران ما دارای این اوصاف نه‌گانه بودند، ما نیز جهاد با دشمنان اسلام را بر انجام دادن حج مقدم می‌دانستیم.<sup>۱</sup>

## ۹۰. سبب رویکرد به جنگ در اسلام

(وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* ... وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلوكُمْ فِيهِ \* ... وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً...)<sup>۲</sup>

در این آیات به سه نکته اشاره شده است که منطق اسلام را در باره‌ی جنگ کاملاً تبیین می‌کند. با جمله‌ی «قاتلوا فی سبیل الله»؛ در راه

۱. المیزان/ ج ۹/ ص ۴۰۵

۲. بقره ۱۹۰-۱۹۳

خدا نبرد کنید، هدف اصلی جنگ‌های اسلامی را روشن می‌سازد که جنگ به دلیل انتقام‌جویی، جاه‌طلبی و ریاست و کشورگشایی از نظر اسلام محکوم است، بلکه جنگ تنها باید در راه خدا باشد. در مورد این که با چه کسانی باید جنگید، جمله‌ی «الَّذِينَ يقاتلونكم»؛ با آن‌ها که با شما مقاتله می‌کنند، صراحت دارد که تا طرف مقابل دست به اسلحه نبرده و به مقاتله نپرداخته، مسلمانان نباید بجنگند. ابعاد جنگ نیز با جمله‌ی «و لا تعدوا»؛ از حد تجاوز نکنید، مشخص شده است، چه این که جنگ در اسلام برای خدا و در راه خداست و در راه خدا نباید هیچ گونه تعدی و تجاوز باشد. در آیه دوم محدودیت مکانی و در آیه سوم محدودیت زمانی جنگ را نیز بیان کرده است.<sup>۱</sup>

## ۹۱. اهداف مختلف در جنگ و جهاد

انسان‌ها برای هدف‌های متفاوت جنگ می‌کنند. بعضی برای دنیا می‌جنگند و بعضی برای آخرت می‌جنگند. آیه شریفه (مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ).<sup>۲</sup>

۱. نمونه/ ج ۲/ ص ۱۰؛ المیزان/ ج ۲/ ص ۶۰-۶۲

۲. آل عمران/ ۱۵۲

درباره‌ی شکست مسلمانان در جنگ احد نازل شده است که عده‌ای به دلیل رویکرد به جمع غنایم، باعث شکست لشکر جبهه مسلمانان شدند.

## ۹۲. حرکت به سوی جهاد

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ)¹.

خداوند در آیه‌ی فوق از مؤمنان سؤال می‌کند که چرا به سوی میدان جهاد در راه خدا حرکت نمی‌کنید و سنگینی به خرج می‌دهید؟ علی علیه السلام می‌فرماید: به سوی میدان جهاد برای کشتن دشمن خود حرکت کنید، خداوند شما را رحمت کند و سنگینی به خرج ندهد تا در عاقبت، تن به ذلت و خواری دهید.

زیرا مبارز جنگجو همیشه بیدار است و اگر کسی در جنگ بخوابد، بداند که دشمن او هرگز نمی‌خوابد؛ «انفروا رحمکم الله إلى قتال عدوکم و لا تئاقلوا إلى الأرض فتقرّوا بالخسف و تبوؤا بالذلّ و یکون نصیبکم الاخسّ انّ أبا الحرب الأرقّ و من نام لم ینم عنه»².

۱. توبه / ۳۸

۲. نور الثقلین / ج ۲ / ص ۲۱۸

### ۹۳. علو همت در مبارزه و جهاد

(فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ)<sup>۱</sup>

قرآن کریم وقتی سخن از مبارزه با کافران را مطرح می‌کند، نمی‌گوید با کفار مبارزه کنید، بلکه می‌گوید: با رؤسا و پیشوایانشان به جهاد برخیزید. اشاره به این که توده‌ی مردم پیرو رؤسا و زعمای خود هستند و آن‌ها هستند که مردم را به اعمال زشت و باطل دعوت می‌کنند.

هدف‌گیری شما باید همیشه آن‌ها باشند. باید سرچشمه‌های گمراهی و ضلالت و ظلم و فساد را ببندید و ریشه‌ها را بسوزانید و تا آن‌ها هستند، مبارزه با پیروانشان سودی ندارد. افزون بر آن، چنین دستوری نوعی بلندنگری و علو همت و تشجیع برای مسلمانان به شمار می‌رود که طرف اصلی شما، آن‌ها هستند، خود را آماده‌ی مبارزه با آنان کنید.<sup>۲</sup>

### ۹۴. معنای مجاهدت در راه خداوند

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)<sup>۳</sup>

کلمه‌ی «جاهدوا» از ماده‌ی «جهد» است و جهد به معنای وسع و طاقت است و مجاهدت به معنای به کار بردن آخرین حدّ وسع و

۱. توبه/ ۱۲

۲. تفسیر کبیر/ ج ۱۵/ ص ۲۳۴؛ نمونه/ ج ۷/ ص ۳۰۲

۳. عنکبوت/ ۶۹

قدرت در دفع دشمن است و جهاد بر سه قسم است: جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان و جهاد با نفس، و معنای «جاهدوا» این است که جهادشان همواره در راه ما است و کنایه از این است که جهادشان همواره در اموری است که متعلق به خداوند است، چه جهاد در راه عقیده باشد و چه در راه عمل، و چون جهادشان در راه خداست، هیچ عاملی ایشان را از ایمان به خدا و اطاعت او باز نمی‌دارد.

۹۵. «لنهدینهم سبلنا»؛ این قسمت از آیه شریفه می‌گوید: خداوند برای خود راه‌هایی نشان می‌دهد و راه‌ها هرچه باشد، سرانجام به درگاه او منتهی می‌شود. زیرا راه را برای این راه گفته‌اند که به سوی صاحب راه منتهی می‌شود و آن صاحب راه، منظور اصلی از راه است. مثلاً وقتی گفته می‌شود: این راه سعادت است؛ یعنی این راه به سوی سعادت منتهی می‌شود، پس راه‌های خدا طریقه‌هایی است که آدمی را به سوی او نزدیک می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۹۶. مجهز بودن در برابر دشمن ظاهری و باطنی

از نظر قرآن کریم هر انسان باایمانی در برابر دشمن ظاهری و باطنی قرار دارد که این دو تلاش می‌کنند تا انسان را از طریق سعادت



باز دارند. پس، برای نجات از این دو دشمن لازم است مجهز به سلاح مناسب باشد تا پیروزی نصیب انسان شود.

قرآن کریم می‌فرماید: در جنگ ظاهری، دشمنان همواره می‌کوشند تا شما را از دین الهی برگردانند؛ (وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا).<sup>۱</sup>

در اینجا وظیفه‌ی مؤمنان آن است که در حد استطاعت در برابر آن‌ها مجهز و مسلح به سلاح ظاهری شوند؛ (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ)<sup>۲</sup>

در جنگ باطنی نیز، نفس هر انسانی او را به زشتی و کار ناپسند دعوت می‌کند؛ (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ).<sup>۳</sup>

در اینجا نیز وظیفه‌ی مؤمنان آن است که در حد استطاعت به سلاح مناسب مجهز شوند و این دشمن را از پای درآورند؛ (فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ)<sup>۴</sup> و سلاح مناسب در این نبرد، گریه و ناله به درگاه الهی است؛ «و سلاحه البكاء»، چنان که تقوا و پرهیزکاری سلاح مناسب در این نبرد است. علی علیه السلام می‌فرماید: «أَمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى».<sup>۵</sup>

۱. بقره/ ۲۱۷

۲. انفال/ ۶۰

۳. یوسف/ ۵۳

۴. تغابن/ ۱۶

۵. نهج البلاغه/ نامه‌ی ۴۵

## ۹۷. انواع جهاد

جهاد بر سه قسم است:

الف- جهاد اصغر؛ مقاتله با دشمنان اسلام است؛ (فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ)<sup>۱</sup>.  
 ب- جهاد کبیر؛ جهاد فرهنگی است که به وسیله‌ی معارف قرآن کریم با کژی‌ها و انحرافات در جامعه مبارزه می‌شود. قرآن کریم در این زمینه به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: (فَلَا تَطْعِ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا)<sup>۲</sup>.

ج- جهاد اکبر؛ جهاد با نفس است که در حدیث معروف نبوی آمده است: آفرین بر گروهی که جهاد اصغر را انجام دادند که منظور جهاد با دشمن ظاهری است و بر عهده‌ی آن‌ها جهاد اکبر؛ یعنی «مجاهدت با نفس» باقی مانده است.

## ۹۸. تفاوت جهاد اصغر با جهاد اکبر

(وَ جَاهِدُوا فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ)<sup>۳</sup>.

منظور از جهاد اصغر، جنگ ظاهری بین دو گروه است و مقصود از

۱. توبه / ۱۱۱

۲. فرقان / ۵۲

۳. حج / ۷۸

جهاد اکبر مبارزه و مجاهدت با نفس است و میان این دو جنگ و جهاد تفاوت‌هایی به شرح ذیل وجود دارد:

۱- پیروزی در جهاد اکبر نیاز به امداد غیبی و فضل الهی دارد؛ (و

لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ).<sup>۱</sup>

پیروزی در جهاد اصغر نیاز به تجهیزات مادی دارد؛ (وَأَعِدُّوا لَهُمْ

مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ).<sup>۲</sup>

۲- در جهاد اصغر، همه‌ی مردم موظف به شرکت نیستند؛ (وَمَا كَانَ

الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً).<sup>۳</sup>

در جهاد اکبر همه‌ی مردم شرکت دارند.

۳- در جهاد اصغر دشمن ظاهر است؛ «قاتلوا الَّذِينَ يقاتلونكم»، در

جهاد اکبر مخفی و پنهان است. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «أخفاهم لك شخصاً مع دنوه منه».<sup>۴</sup>

۴- در جهاد اصغر مدت کوتاه است، در جهاد اکبر مدت طولانی و

بلکه همیشگی است. علی علیه السلام می‌فرماید: «ينبغي للعاقل أن لا يخلو في كلِّ حالة عن طاعة ربِّه و مجاهدة نفسه».<sup>۵</sup>

۱. یوسف / ۲۴

۲. انفال / ۶۰

۳. توبه / ۱۲۲

۴. بحار الانوار / ج ۱ / ص ۱۵۷

۵. غرر الحکم

۵- در جهاد اصغر مرگ یک بار است، آن هم احتمالاً، ولی در جهاد اکبر و مبارزه با نفس، در هر کاری انسان با مرگ معنویت خود مواجه می‌شود؛ «فی حدیث المعراج فی صفة أهل الخیر و الاخرة يموت الناس مرّة و يموت أحدهم فی کلّ یوم سبعین مرّة من مجاهدة أنفسهم و مخالفة أهوائهم»<sup>۱</sup>.

۶- در جهاد اصغر و جنگ ظاهری، زمان و مکان مشخص است، در جهاد اکبر چون نفس انسان خارج از منطقه جغرافیایی است، هیچ مکان و زمان و سنگر و دژ کارسازی نیست، حتی در شب تاریک و در حال اشک و سجده، نفس، انسان را رها نمی‌کند.

۷- در جنگ ظاهری و جهاد اصغر، شکست از دشمنان زود نمودار می‌شود، ولی در جهاد اکبر گاهی انسان هشتاد سال از نفس و هوس خود شکست می‌خورد، ولی توجه ندارد.

۸- در جهاد اصغر، هجوم دشمن ظاهری زمان و برنامه و بودجه لازم دارد، لیکن در جهاد اکبر وسوسه نفس فوری و مجانی صورت می‌گیرد.

۹- در جهاد اصغر از دشمن ظاهری فرار ممکن است، ولی در جهاد اکبر از دشمن باطنی (نفس) فرار ممکن نیست.

- ۱۰- در جهاد اصغر صلح و سازش با دشمن ممکن است، ولی در جهاد اکبر صلح و سازش با دشمن درون ممکن نیست.
- ۱۱- در جهاد اصغر، مریض و لنگ و کور و زن و پیرمرد معاف هستند، ولی در جهاد اکبر هیچ کدام معاف نیستند.
- ۱۲- هر کس در جهاد اکبر بر دشمن نفس پیروز شود، در جهاد اصغر نیز شرکت می‌کند، لیکن هرکس در جهاد اصغر شرکت کرد، معلوم نیست در جهاد اکبر پیروز شود.
- ۱۳- در جهاد اکبر، درگیری و مبارزه با خود شیطان است، در جهاد اصغر با پیروان شیطان.
- ۱۴- در جهاد اکبر مباشرت لازم است، ولی در جهاد اصغر با مال هم می‌توان جبهه را کمک کرد.

## ۹۹. تفاوت منزلت مجاهدان

(وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا \* دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا).<sup>۱</sup>

در آیهی فوق سه بار نام «مجاهدان» به میان آمده است. در نخستین بار مجاهدان همراه با هدف و وسیله‌ی جهاد ذکر شده‌اند؛ «المجاهدون فی سبیل الله بأموالهم»، و در مرتبه‌ی دوم نام مجاهدان فقط با وسیله‌ی جهاد ذکر شده، اما سخنی از هدف به میان نیامده است؛ «المجاهدین بأموالهم و أنفُسهم»، و سومین بار فقط نام مجاهدان به میان آمده است و این یکی از نکات بارز بلاغت در کلام است که چون شنونده مرحله به مرحله به موضوع آشناتر می‌شود، از قیود و مشخصات آن می‌کاهند و کار آشنایی به جایی می‌رسد که تنها با یک اشاره همه چیز معلوم می‌شود.

۱۰۰. در آیه‌ی نخست برتری مجاهدان بر قاعدان به صورت مفرد (درجه) ذکر شده، در حالی که در آیه‌ی دوم به صورت جمع (درجات) آمده است و میان این دو تعبیر منافاتی نیست. زیرا در مرحله‌ی اول منظور، بیان اصل برتری مجاهدان بر غیر آنها است، ولی در تعبیر دوم این برتری را شرح می‌دهد. از این رو، با ذکر مغفرت و رحمت نیز توأم شده است و به عبارت دیگر، تفاوت میان این دو، تفاوت میان اجمال و تفصیل است.

۱۰۱. از تعبیر «درجات» نیز می‌توان استفاده کرد که مجاهدان همه در یک حد و پایه نیستند و به اختلاف درجه‌ی اخلاص و فداکاری و

تحمل ناراحتی‌ها، مقامات معنوی آن‌ها مختلف است. پس، هر یک به تناسب کار و نیت خود پاداش می‌گیرند.<sup>۱</sup>

## ۱۰۲. لزوم احتیاط در جنگ

(وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ).<sup>۲</sup>

خداوند در این جمله از آیه‌ی شریفه دستور به احتیاط در جنگ می‌دهد که مسلمانان مبدا در جنگ از دشمن غفلت کنند. همان‌گونه که موظفند در میدان جنگ مسلح باشند، لازم است احتیاط را از دست ندهند، از این رو «حذر» که به معنای احتیاط است، مانند «سلاح» ابزار دفاعی به شمار آمده و همان کلمه‌ی «اخذ» که به اسلحه نسبت داده شده، عیناً به «حذر» نیز نسبت داده شده است.<sup>۳</sup>

## ۱۰۳. خداوند خریدار جان مؤمنان

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا).<sup>۴</sup>

۱. المیزان/ ج ۱۵ ص ۴۶؛ نمونه/ ج ۴ ص ۷۹

۲. نساء/ ۱۰۲

۳. المیزان/ ج ۱۵ ص ۶۲

۴. توبه/ ۱۱۱

خداوند در این آیه، مقام والای مجاهدان را با یک مثال جالبی بیان کرده است. در این مثال خداوند خود را خریدار و مؤمنان را فروشنده معرفی کرده است و هر معامله‌ای، در حقیقت پنج رکن اساسی دارد: خریدار، فروشنده، متاع، قیمت و بها، سند معامله.

خداوند متعال نیز در این آیه به تمام این ارکان اشاره کرده است: خودش خریدار، مؤمنان فروشنده، جان‌ها و اموال متاع، بهشت را ثمن و کتب آسمانی را سند این معامله قرار داده است.<sup>۱</sup>

بعضی از اهل معنا گفته‌اند: در معاملات متعارف، مشتری غیر از فروشنده است و چیزی را می‌خرد که مالک نباشد؛ اما در این تجارت، مشتری و فروشنده یکی است و خداوند چیزهایی را از بندگان خود می‌خرد که خودش مالک و آفریننده‌ی آنهاست. پس، تعبیر به بیع، برای تشویق به جهاد در راه اوست.<sup>۲</sup>

جالب این که می‌فرماید: نفس را خرید، نفرمود قلب را خرید. زیرا قلب مؤمن وقف به محبت الهی است و ملک وقفی را نمی‌توان خرید و فروش کرد.

هر کسی معامله می‌کند، تمام شادی او به این است که ثمنی را از مشتری دریافت می‌کند، اما در این معامله نفرمود: به ثمنی که دریافت

۱. نمونه/ ج ۸/ ص ۱۴۷

۲. تفسیر کبیر/ ج ۱۶/ ص ۱۹۹



کردید، شادی کنید، بلکه می‌فرماید:  
به بیع و معامله‌ای که با من کردید شادی کنید. زیرا چه غم دارد  
کسی که خدا را دارد.<sup>۱</sup>

۱۰۴. این آیه‌ی شریفه مشتمل بر ده تأکید است:

- ۱- کلمه‌ی «إِنْ» مفید تأکید است.
- ۲- تعبیر از پاداش الهی به بیع و شراء.
- ۳- کلمه‌ی «وَعَدًا» افاده‌ی تأکید می‌کند، زیرا خداوند به وعده‌ی خویش وفا می‌کند.
- ۴- کلمه‌ی «عَلَيْهِ» دلالت بر لزوم دارد.
- ۵- کلمه‌ی «حَقًّا» ثبوت این معنا را می‌رساند.
- ۶- سند معامله را که گواهی کتب آسمانی است، ذکر کرده است.
- ۷- جمله‌ی «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ» نهایت تأکید است.
- ۸- بشارت به این معامله نیز تأکید دیگری است.
- ۹- این معامله را فوز و رستگاری دانسته است.
- ۱۰- این رستگاری را به عظمت توصیف کرده است.

### ۱۰۵. تجارت پرسود

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ).<sup>۱</sup>

هنگامی که آیه‌ی فوق نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد بود. حضرت آیه را با صدای بلند تلاوت کرد و مردم تکبیر گفتند. مردی از انصار پیش آمد و از روی تعجب از پیامبر پرسید: راستی این آیه بود که نازل شد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری. مرد انصاری گفت: «بیع ربیع لا نقیل و لا نستقیل»؛ چه معامله‌ی پرسودی، این معامله را بازنمی‌گردانیم و اگر بازگشتی از ما بخواهند، نمی‌پذیریم.<sup>۲</sup>

### ۱۰۶. شهادت مجاهد در راه خدا

(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا).<sup>۳</sup>

شخصی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من علاقه و تمایل به جهاد دارم. حضرت فرمود: در راه خدا جهاد کن. اگر کشته شوی و در راه خداوند به شهادت برسی، نزد خداوند روزی می‌خوری و اگر در میدان نبرد، با مرگ طبیعی از دنیا بروی، اجر و مزد تو را خدا

۱. توبه/ ۱۱۱

۲. نمونه/ ج ۸/ ص ۱۵۰

۳. آل عمران/ ۱۶۹

خواهد داد، و اگر از جهاد سالم برگشتی، گناهان تو آمرزیده می‌شود.  
 عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: «أتى رجل رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: أتى راغب  
 نشيط في الجهاد. قال: فجاهد في سبيل الله فإنك ان تقتل كنت حياً عند الله  
 ترزق و ان مت فقد وقع أجرک على الله و ان رجعت خرجت من الذنوب إلى  
 الله»<sup>۱</sup>.

## ۱۰۷. پاداش مجاهد شهید

(وَمَنْ يَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ).<sup>۲</sup>

کشته شدن (شهادت) در آیه‌ی شریفه مقدم بر پیروزی ذکر شده  
 است. زیرا ثواب شهادت افزون‌تر و ماندنی‌تر است. چون هر چند  
 مجاهد پیروز، اگر با تقوا باشد، پاداش بزرگی دارد، ولی در معرض  
 خطر ارتکاب کارهای ناشایستی است که آن پاداش را تحت الشعاع  
 خود قرار می‌دهد و ممکن است پس از کردار نیک به کار زشتی اقدام  
 کند، ولی شهید از این خطر رهیده و نتیجه‌ی پاداش او نقد است و به  
 سوی بهشت برزخی روانه شده است، ولی بقای پاداش رزمنده‌ی  
 پیروز در گرو کارهای آینده‌ی اوست.<sup>۳</sup>

۱. نور الثقلین / ج ۱ / ص ۴۰۹

۲. نساء / ۷۴

۳. میزان / ج ۴ / ص ۴۱۹

### ۱۰۸. رستگاری در پرتو جهاد اصغر و اکبر

برای رستگاری و رسیدن به سعادت، شرکت در جهاد اصغر و اکبر لازم است:

۱. جهاد اصغر؛ (لَكِنَّ الرِّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).<sup>۱</sup>
۲. جهاد اکبر؛ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا).<sup>۲</sup>

### ۱۰۹. سرّ جنگ در راه خدا یا طاغوت

بعضی در راه خدا جنگ می‌کنند؛ (الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)<sup>۳</sup>، بعضی در راه طاغوت می‌جنگند؛ (وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ).<sup>۴</sup>

سرّش آن است که سرپرست گروه اول خداست و از ظلمت کفر به نور ایمان خارج شدند؛ (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ).<sup>۵</sup>

۱. توبه ۸۸

۲. شمس/ ۹

۳. نساء/ ۷۶

۴. همان

۵. بقره/ ۲۵۷

سرپرست گروه دوم طاغوت است، از این رو در راه طاغوت می‌جنگند؛ (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ)¹.

## ۱۱۰. عوامل پیروزی در جنگ

### الف. ایمان به معاد و صبر

لشکریان طالوت از آنجا که ایمان به معاد داشتند و از خداوند تقاضای صبر کردند، بر جالوت پیروز شدند و آنان را شکست دادند و داود که جزو لشکر طالوت بود جالوت را کشت؛

(قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ \* وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ \* فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...).²

### ب. امداد الهی در پرتو صبر و تقوا

در جنگ بدر به خاطر این که مسلمانان صبر و تقوا پیشه کردند، خداوند به عنوان کمک پنج هزار فرشته نشانه‌دار را به یاری آنان فرستاد؛

۱. همان

۲. بقره/ ۲۴۹-۲۵۱

(بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُضِدِّكُمْ إِلَيْكُمْ بِخُمْسَةٍ أَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ... لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبُهُمْ فَيُنْقَلِبُوا خَائِبِينَ).<sup>۱</sup>

### ج. امداد الهی در پرتو تصرف در چشم دشمن

خداوند در جنگ بدر نخست مسلمانان را کم نشان داد تا دشمن جنگ را آغاز کند، وقتی جنگ شروع شد مسلمانان را دو برابر آنچه بودند نشان داد تا دشمن بترسد و عقب‌نشینی کند، از این رو کفار مسلمانان را که ۳۱۳ نفر بودند ۶۲۶ نفر دیدند که در سوره آل عمران آیه ۱۳ می‌فرماید: (مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ). از سوی دیگر دشمنان را در نظر پیامبر در خواب اندک نشان داد و پیامبر خواب را برای مسلمانان نقل کرد تا روحیه بگیرند؛ (إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَأَوْهُمْ كَثِيرًا لَفَسِلْتُمْ وَ لَتَنَارَ عَنَّمُ فِي الْأَمْرِ).<sup>۲</sup>

### د. یاد خدا

درباره‌ی جنگ بدر می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُرُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ).<sup>۳</sup>

۱. آل عمران / ۱۲۵ و ۱۲۷

۲. انفال / ۴۳

۳. انفال / ۴۵

### ه. توکل به خدا

قرآن کریم بعد از آن که موضوع شکست مسلمانان را در جنگ احد بیان می‌کند و می‌فرماید: «اگر خداوند شما را یاری کند، پیروزید و الا شکست می‌خورید. بنابراین، مؤمنان باید بر خدا توکل کنند؛ (إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ).<sup>۱</sup>

### ۱۱۱. راحت طلبان و فرار از جنگ

اصولاً کسانی از جنگ و مبارزه با دشمن فرار می‌کنند که راحت طلب هستند، به عنوان نمونه:

الف. منافقانی که از جنگ تبوک تخلف ورزیدند؛ گرمی هوا را بهانه برای نرفتن خود به جنگ مطرح کردند و از شرکت نکردن در جنگ شادمان بودند که قرآن کریم می‌فرماید:

آتش جهنم بسی گرم‌تر خواهد بود اگر بفهمند. بنا بر این، باید بر این کار ناپسند خود گریه کنند؛

(فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ

وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ \* فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكِوْا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ<sup>۱</sup>.

ب. منافقان در جنگ احزاب نیز شرکت نکردند و بهانه آن‌ها در این جنگ این بود که خانه‌های ما بدون حفاظ و بدون در و پیکر است، از این رو به مردم مدینه می‌گفتند: در منطقه جنگی نمایید و به مدینه برگردید؛

(وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا)<sup>۲</sup>.

ج. حضرت موسی علیه السلام به قومش فرمود: وارد سرزمین مقدس فلسطین شوید و برای ورود به آن از مشکلات نترسید. این قوم ترسو و راحت طلب گفتند: در آن منطقه افراد جبار و زورگو وجود دارد و ما هرگز داخل این شهر نمی‌شویم جز این که از آن جا خارج شوند، بعداً ما وارد می‌شویم. بعد به موسی علیه السلام گفتند: تا آن‌ها در آن جا هستند ما وارد نخواهیم شد تو و خداوند بروید با آن‌ها بجنگید و ما در همین جا می‌نشینیم؛

(يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ \* قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن

۱. توبه / ۸۱-۸۲

۲. احزاب / ۱۳



نَدْخَلَهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ \* ... \* قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخَلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ<sup>۱</sup>.

د. گاهی می‌گفتند: تعداد دشمن زیاد و توان ما کم است؛ (لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ)<sup>۲</sup>.

ه. گاهی می‌گفتند: زن و بچه و ثروت، ما را به خود مشغول و گرفتار ساخته است؛ (شَغَلْتَنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا)<sup>۳</sup>.

## ۱۱۲. عدم ورود به بهشت بدون جهاد

قرآن کریم در باره‌ی منافقان و برخی از افراد ضعیف‌الایمان که حال شرکت در جنگ و جهاد را ندارند چند نوع تعبیر دارد:  
الف. گمان می‌کنند به صرف ایمان بدون تحمل رنج وارد بهشت می‌شوند؛

(أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ<sup>۴</sup> و (أَحْسَبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ \*  
۱. مائده / ۲۱-۲۴

۲. بقره / ۲۴۹

۳. فتح / ۱۱

۴. بقره / ۲۱۴

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ.<sup>۱</sup>

ب. قبل از جنگ تمنای مرگ می‌کنند، اما به هنگام جنگ تماشاچی

صحنه هستند؛

(أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ \* وَ لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ).<sup>۲</sup>

ج. از جنگ می‌ترسند؛

(فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشِيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشِيَةً).<sup>۳</sup>

د. گاهی اعتراض می‌کنند که چرا دستور تازه‌ای بر پیامبر ﷺ نازل نمی‌شود، اما وقتی دستور جنگ می‌آید مانند کسانی که در آستانه مرگ هستند به پیامبر نگاه می‌کنند؛

(وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ).<sup>۴</sup>

۱. عنکبوت / ۲ و ۳

۲. آل عمران / ۱۴۲-۱۴۳

۳. نساء / ۷۷

۴. محمد / ۲۰

## ۱۱۳. راه درمان کراهت از جنگ

قرآن کریم می‌فرماید: جنگ و جهاد بر شما مسلمانان واجب شده با این که از آن کراهت دارید؛ (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ).<sup>۱</sup> راه درمان این کراهت را به دوگونه بیان کرده است:

۱. بدانید بسیاری از امور را کراهت دارید، لیکن برای شما خیر است؛ (عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ...).

۲. باید حیات دنیا را به آخرت بفروشید؛ (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام که به شهادت نائل شد، حیات دنیا را به آخرت فروخت، از این رو در پاسخ به نامه برادرش محمد حنفیه نوشت: «فكان الدنيا لم تكن و كان الآخرة لم تنزل و السلام».

۱. بقره/ ۲۱۶

۲. نساء/ ۷۴

## ۱۱۴. چند اصل در زمینه جهاد نظامی

۱. در جهاد نظامی خداوند یار رزمندگان است؛ (لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ)<sup>۱</sup>.
۲. در جهاد نظامی، رزمنده با خداوند بیعت می‌کند؛ (فَاسْتَبِشِرُوا بِيَعِيكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ)<sup>۲</sup>.
۳. گروهی که در جهاد نظامی شرکت نمی‌کنند به جهت علاقه به دنیا است؛ (مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا)<sup>۳</sup>.
۴. جهاد نظامی در اسلامی به منظور کشورگشایی نیست بلکه به منظور گسترش مکتب اسلام و مقابله با فتنه است؛ (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ)<sup>۴</sup>.
۵. پیروزی تنها با تعداد نفرات زیاد نیست، بلکه با اراده خداوند است؛ (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ)<sup>۵</sup>.  
(تَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونَ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ)<sup>۶</sup>.

۱. توبه / ۲۵

۲. توبه / ۱۱۱

۳. توبه / ۳۸

۴. انفال / ۳۹

۵. بقره / ۲۴۹

۶. انفال / ۷

۶. هدف از جهاد نظامی احقاق حق و انهدام باطل است؛ (يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ).<sup>۱</sup>
۷. در جهاد نظامی با اراده و امداد الهی می‌توان در جنگ راحت خوابید و آرامش داشت و اگر خدا نخواهد، در بهترین باغ‌ها و منزل‌ها نه خوابی است، نه آرامشی؛ (إِذْ يُغَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ).<sup>۲</sup>
۸. از جمله عوامل پیروزی رزمندگان آن است که خداوند دل ترسان و مضطرب آنان را آرام می‌کند و متقابلاً قلب آرام دشمن را مضطرب می‌سازد؛ (الْيَرِيطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ)<sup>۳</sup> و (سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّغْبَ).<sup>۴</sup>
۹. فرار از جهاد گناه کبیره است؛ (وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ... فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ).<sup>۵</sup>
۱۰. از جمله نتایج جهاد نظامی، جداسازی طرفداران حق از باطل است؛ (لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ).<sup>۶</sup>
۱۱. در جهاد نظامی به‌منظور شکست دشمن باید ضربه به سر کفار وارد ساخت و سر انگشتان آنها را از بین برد؛ (فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ

۱. انفال / ۷

۲. انفال / ۱۱

۳. انفال / ۱۱

۴. انفال / ۱۲

۵. انفال / ۱۶

۶. انفال / ۳۷

وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ.<sup>۱</sup>

۱۲. شرط ایمان کامل در جهاد نظامی، شرکت در جهاد مالی است. قرآن کریم به رزمندگان گوید: خمس غنیمت واجب است اگر ایمان به خداوند دارید؛ (وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ... إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ).<sup>۲</sup>

۱۳. در جهاد نظامی رزمندگان مأمور به پایداری و ثبات قدم هستند؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا).<sup>۳</sup> اما همین پایداری و ثبات قدم را نیز باید از خداوند درخواست کنند؛ (رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا).<sup>۴</sup>

۱۴. در جهاد نظامی باید یاد خداوند جایگزین یاد زن و فرزند و مال شود؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ).<sup>۵</sup>

در جای دیگری می‌فرماید: (لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ)<sup>۶</sup> و انسان مجاهد باید بداند مال و فرزند وسیله آزمایش هستند؛ (وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ).<sup>۷</sup>

۱. انفال / ۱۲

۲. انفال / ۴۱

۳. انفال / ۴۵

۴. بقره / ۲۵۰

۵. انفال / ۴۵

۶. منافقون / ۹

۷. انفال / ۲۸

۱۵. هدف از جهاد نظامی باید رفع فتنه باشد؛ (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ)<sup>۱</sup> و هدف نباید سلطه‌جویی و قدرت‌نمایی باشد؛ (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ)<sup>۲</sup>.
۱۶. در جهاد نظامی بینش انسان باید چنان وسیع باشد که عقبه دشمن را نیز در نظر بگیرد و با قاطعیت برخورد کند؛ (فِيمَا تَثَقَّفَتْهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ)<sup>۳</sup>.
۱۷. در جهاد نظامی منتظر وقوع خیانت دشمن نباشد، اگر ترس از خیانت نیز دارید با اعلام قبلی تعهد خود را لغو کنید؛ (وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ)<sup>۴</sup>.
۱۸. در جهاد نظامی اگر دشمن پیشنهاد صلح و سازش کرد، رهبر مسلمانان باید صلح را بپذیرد تا مسلمانان جنگ طلب معرفی نشوند؛ (وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)<sup>۵</sup>.
۱۹. در جهاد نظامی نوعاً لشکر مسلمانان و لشکر کفار زیاد و جنگ همیشه نابرابر بوده است، لکن مسلمانان جز در اندک مواردی، پیروز شده‌اند؛

۱. انفال / ۳۹

۲. انفال / ۴۷

۳. انفال / ۵۷

۴. انفال / ۵۸

۵. انفال / ۶۱

- جنگ بدر؛ مسلمانان ۳۱۳ نفر - دشمنان ۶۲۶ نفر  
 جنگ احد؛ مسلمانان ۷۰۰ نفر - دشمنان ۳۰۰۰ نفر  
 جنگ خندق؛ مسلمانان ۳ هزار نفر - دشمنان ۱۰ هزار نفر  
 جنگ موته؛ مسلمانان ۱۰ هزار نفر - دشمنان ۱۰۰ هزار نفر.
۲۰. رزمندگان مخلص برتر از دیگران اند، هرچند دیگران منشأ خدماتی از طریق مشاغل دیگر باشند؛ (أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ ... كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ).<sup>۱</sup>
۲۱. رزمندگان شرکت کننده در جنگ، قبل از فتح و پیروزی برتر از رزمندگان بعد از فتح و پیروزی هستند؛ (لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ...)<sup>۲</sup>.
۲۲. مجاهدان نظامی باید دارای تشکیلاتی باشند که توطئه دشمنان را در خارج از مرزها زیر نظر داشته باشند؛ (...فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ...)<sup>۳</sup>.
۲۳. در جهاد نظامی رزمندگان همیشه آمادگی دفاع را دارند؛ (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ)؛<sup>۴</sup> و لکن منافقان هیچ گونه آمادگی دفاع را ندارند؛ (وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً).<sup>۵</sup>

۱. توبه / ۱۹

۲. حدید / ۱۰

۳. توبه / ۵

۴. انفال / ۶۰

۵. توبه / ۴۶



۲۴. مجاهدان نظامی باید هم با دشمنان خارجی بجنگند، هم با دشمنان داخلی؛ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ).<sup>۱</sup>
۲۵. مجاهدان نظامی باید همراه و همگام با رهبر حرکت کنند و امیدی به مرفهان تن‌پرور نداشته باشند؛ (وَ إِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ جَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ).<sup>۲</sup>
۲۶. خیرات و برکات الهی برای مجاهدان است؛ (لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).<sup>۳</sup>
۲۷. در جهاد نظامی مسلمانان، تفاوتی میان کشتن و کشته شدن نیست، اصل عمل به وظیفه است؛ (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ)، (قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ).<sup>۴</sup>
۲۸. دشمنان اسلام باید صلابت و قدرت را در مجاهدان نظامی بیابند؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً).<sup>۵</sup>

۱. توبه / ۷۳

۲. توبه / ۸۶

۳. توبه / ۸۸

۴. توبه / ۱۱۱

۵. توبه / ۵۲

۶. بقره / ۱۲۳

## خامه مک

در زمینه فضیلت علم و دانش و عظمت دانشمندان به برخی از سخنان ارزشمند اهل بیت عصمت و طهارت اشاره می‌شود؛

### تأثیر علم در شکوفایی عقل

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مؤید العقل العلم».<sup>۱</sup>  
علم باعث تأیید و تحکیم عقل می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کثرة النظر فی العلم یفتح العقل».<sup>۲</sup>  
مطالعه و دقت زیاد در مسایل علمی اندیشه انسان را به‌کار می‌اندازد.  
حضرت علی علیه السلام از علم به‌عنوان چراغ و روشن کننده خرد تعبیر نموده است: «العلم مصباح العقل».<sup>۳</sup>

و نیز می‌فرماید: «العلم منیر العقل».<sup>۴</sup>  
عقل استعدادی است که به‌وسیله علم و تجربه‌ها زیاد می‌گردد.

---

۱. مستدرک، ج ۲، ص ۳۸۷

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۵۲

۳. غرر الحکم

۴. غرر الحکم

## رفع محدودیت در طلب علم

در ضرورت فراگیری علم و لزوم کسب دانش، همین بس که اسلام خصوصیتی برای آن قایل شده که برای هیچ موضوعی قایل نشده و آن این که محدودیت از چهار جهت برداشته شده و همه انسان‌های مسلمان را به تحصیل و فراگیری دانش دعوت نموده است؛

۱. طایفه و نژاد؛ پیامبر اکرم ﷺ: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم»<sup>۱</sup>؛

طلب علم و دانش بر هر مسلمان لازم است.

۲. مکان؛ پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: طلب علم و دانش کنید

گرچه مسافت‌های دوری را بپیماید؛ «اطلبوا العلم و لو بالصین»<sup>۲</sup>؛

طلب کنید علم را گرچه به چین مسافرت کنید.

۳. زمان؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل حال»<sup>۳</sup>؛

طلب علم واجب است در هر حالی و در هر زمانی.

۴. معلم؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الحکمة ضالة کل مؤمن فخذوها

و لو من افواه المنافقین»<sup>۴</sup>؛

حکمت گمشده هر مؤمن است، آن را فراگیرید گرچه از منافقین باشد.

بنابر تحقیقی که صورت گرفته جمله: «اطلب العلم من المهد الی

الحد» در جوامع روایی دیده نشد، فقط در نهج الفصاحه، ص ۶۴ آمده است.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۰

۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۲

۴. تصنیف غرر، ص ۵۸

## فضیلت علم در احادیث

۱. فضیلت و برتری علم؛ قال علی علیه السلام: «لا کنز انفع من العلم»<sup>۱</sup>.  
هیچ گنجی سودمندتر از علم نیست. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «سارعوا فی طلب العلم فالحدیث من صادق خیر من الدنیا و ما علیها من ذهب و فضة»<sup>۲</sup>  
در طلب علم شتاب کنید، خبری از یک راستگو (شنیدن) بهتر است از دنیا و آنچه طلا و نقره در آن است.
  ۲. طلب علم و جهاد در راه خدا؛ قال علی علیه السلام: «الشاخص فی طلب العلم کالمجاهد فی سبیل الله ان طلب العلم فریضة علی کل مسلم و کم من مؤمن ینخرج من منزله فی طلب العلم فلا یرجع الا مغفوراً»<sup>۳</sup>  
آن که برای تحصیل علم بیرون رود، همانند مجاهد در راه خداست. همانا تحصیل دانش بر هر مسلمانی واجب است و چه بسا مؤمنی که از خانه خود برای تحصیل دانش خارج شود به خانه بر نمی‌گردد جز آن که آمرزیده شده باشد.
  ۳. برتری علم بر عبادت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «فضل العلم احب الی من فضل العبادة»<sup>۴</sup>  
فضل العبادة»<sup>۵</sup>
- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «قلیل العلم خیر من کثیر العبادة»<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۹

۲. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۵۴

۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۹

۴. بصائر الدرجات، ج ۳، ص ۷

۵. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۲۲

۴. زکات علم؛

قال الصادق عليه السلام: «ان لكل شئ زكاة و زكاة العلم ان يعلمه اهله»<sup>۱</sup>

هر چیزی زکاتی دارد و زکات علم، تعلیم به کسانی است که اهلیت آن را دارند.

۵. پاداش آموزش علم؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من تعلم لله و علم لله دعى

في ملكوت السموات عظيماً»<sup>۲</sup>

هر که تحصیل علم برای خدا کند و آن را برای خدا به دیگران بیاموزد در ملکوت آسمان‌ها بزرگ خوانده می‌شود.

۶. فراگیری علوم مهم؛ قال علی عليه السلام: «العمر اقصر من ان تعلم كل ما

يحسن بك علمه فتعلم الأهم فالأهم»<sup>۳</sup>

عمر، کوتاه‌تر از آن است که همه چیز را خوب بدانی، پس هر دانشی را که مهم و مهم‌تر باشد فراگیر.

۷. حیات علم در پرتو مذاکره؛ عن ابی عبدالله: «رحم الله عبداً احیی

العلم قال قلت و ما احیاؤه قال ان يذكر به اهل الدين و اهل الورع»<sup>۴</sup>

خدا رحمت کند بنده‌ای را که علم را زنده کند راوی گفت: عرض کردم: زنده کردن علم چیست؟ فرمود، با دینداران و اهل ورع مذاکره کردن.

۸. استغفار برای طالب علم؛ قال الصادق عليه السلام: «طالب العلم يستغفر له

۱. تحف العقول، ص ۳۶۴

۲. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۶۴

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۲

۴. روضة المتقین، ج ۱۲، ص ۱۶۶

کل شیء حتی الحیتان فی البحر»<sup>۱</sup>

برای طالب علم همه موجودات طلب مغفرت می‌کنند حتی ماهیان دریا.

۹. تواضع معلم و شاگرد؛ قال علی علیه السلام: «تواضعوا لمن تعلمونه العلم و

تواضعوا لمن طلبتم منه العلم»<sup>۲</sup>

فروتنی کنید برای کسی که به او علم می‌آموزید و فروتنی کنید نسبت به کسی که از او علم یاد می‌گیرید.

۱۰. ویژگی‌های عالم؛ قال لقمان لابنه و هو یعظه للعالم ثلاث علامات

العلم باللّه و بما یحبّ و بما یکره»<sup>۳</sup>

لقمان در موعظه به فرزندش می‌گوید: برای دانشمند سه نشانه هست: شناخت خدا و شناخت آنچه مورد محبت و کراهت خداست.

۱۲. غرور به علم؛ قال علی علیه السلام: «من ادّعی من العلم غایته فقد اظهر من

جهله نهایته»<sup>۴</sup>؛

هر کس ادعا کند به نهایت علم دست یافته نهایت نادانی خود را ابراز

داشته است.

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: «من قال انا عالم فهو جاهل»<sup>۵</sup>؛

هر کس ادعا کند که او دانشمند است در حقیقت نادان است.

۱. کنز العمال، ۲۸۶۵۳.

۲. امالی صدوق، ص ۲۹۴.

۳. خصال، ج ۱، ص ۱۲۱.

۴. غرر الحکم.

۵. منیه المرید، ص ۱۳۷.

۱۳. تکریم عالم؛ قال علی علیه السلام: «من قرَّ عالماً فقد قرَّ ربّه»؛

هر کس عالمی را تکریم و احترام کند خداوند را تکریم و احترام کرده است.

۱۴. آفت تحصیل علم برای غیر خدا؛ قال علی علیه السلام: «من تعلّم العلم

ریاءاً و سمعةً یرید به الدنیا نزع اللّٰه برکتہ و ضیق علیہ معیشتہ و وکلہ اللّٰه الی نفسه و من وکلہ اللّٰه الی نفسه فقد هلك»؛<sup>۱</sup>

هر کس علمی را به عنوان ریا و سمعه بیاموزد و اراده بهره دنیوی نماید خداوند برکت را از او می‌برد و زندگی او سخت می‌شود و خداوند او را به خودش رها می‌کند که در نتیجه هلاک می‌گردد.

۱۵. وظیفه متعلم؛ قال علی علیه السلام: «علی المتعلّم ان یدأب نفسه فی طلب

العلم و لا یملّ من تعلّمه و لا یستکثر ما علم»؛<sup>۲</sup>

وظیفه متعلم و دانش‌آموز آن است که خود را به طلب علم و فراگیری آن عادت دهد و از تحصیل علم خسته نشود و علم خود را زیاد نشمرد.

۱۷. خطر عمل بدون علم؛ قال رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ و آله و سلم: «من عمل علی غیر علم

کان ما یفسد اکثر مما یصلح»؛<sup>۳</sup>

هر کس بدون دانش عمل کند فسادش بیش از اصلاح او خواهد بود.

۱۸. خطر علم بدون عمل؛ قال علی علیه السلام: «من تعلّم العلم و لم یعمل بما

۱. غررالحکم

۲. غررالحکم

۳. غررالحکم

۴. محاسن، ج ۱، ص ۳۱۴

فيه حشره الله يوم القيمة اعمى»<sup>۱</sup>؛

هرکس علم را فراگیرد و به آن عمل نکند، روز قیامت خداوند او را کور محسور خواهد کرد.

۱۹. ناسازگاری تحصیل علم با تن آسایی؛

قال علی عليه السلام: «لا يُدرک العلم براحة الجسم».<sup>۲</sup>

۲۰. علم، عامل حیات فکری؛

قال علی عليه السلام: «بالعلم تكون الحياة».<sup>۳</sup>

۲۱. علم، وسیله شناخت خداوند؛

«بالعلم يطاع الله ويعبد بالعلم يعرف الله ويوحّد وبه يعرف الحلال والحرام».<sup>۴</sup>

۲۳. علم، اساس هر خیر؛

«العلم اصل كلّ خير».<sup>۵</sup>

۲۴. معرفی علم حقیقی و سودمند؛ «انّ العلم ثلاثة آية محكمة

فريضة عادلة و سنة قائمة».

۲۵. خجالت نکشیدن از تحصیل علم؛

قال علی عليه السلام: «و لا يستحین احدا اذا لم یعلم الشیء ان یتعلّمه».<sup>۶</sup>

۱. مکارم الاخلاق، ص ۳۴۸

۲. غررالحکم / ۱۰۶۸۴

۳. غررالحکم / ۴۲۲۰

۴. امالی صدوق / ۴۹۲

۵. غررالحکم / ۸۱۸

۶. نهج البلاغه / حکمت ۸۲



۲۶. طالب دانش در میان جهال مانند انسان زنده در میان اموات است؛ قال رسول الله ﷺ: «طالب العلم بين الجهال كالحى بين الاموات».<sup>۱</sup>

۲۷. عزت دنیا و سعادت آخرت برای طالب علم است؛ قال علیؑ: «لطالب العلم عز الدنيا و فوز الآخرة».<sup>۲</sup>

۲۸. کسی که به دنبال کسب علم برود، خداوند رزق او را کفالت و تأمین می‌کند؛ قال رسول الله ﷺ: «من طلب العلم تكفل الله له برزقه».<sup>۳</sup>

۲۹. کسی که به دنبال تحصیل دانش برود تا اسلام را زنده کند، بین او و پیامبران در بهشت به یک درجه فاصله خواهد بود؛

قال رسول الله ﷺ: «من طلب باباً من العلم ليحيى به الاسلام كان بينه و بين الانبياء درجة في الجنة».<sup>۴</sup>

۳۰. کسی که راهی را طی کند برای تحصیل علم، راهی از بهشت را طی کرده است؛ «من سلک طريقاً يطلب فيه علماً سلک الله به طريقاً الى الجنة».<sup>۵</sup>

۳۱. بهترین صدقه آن است که انسان علمی را بیاموزد، سپس به برادرش تعلیم دهد؛ قال رسول الله ﷺ: «افضل الصدقة ان يعلم المرء علماً ثم يعلمه آخاه».<sup>۶</sup>

۱. کنز العمال / ۲۸۷۲۶

۲. غرر الحکم / ۷۳۴۹

۳. کنز العمال / ۲۸۷۰۱

۴. کنز العمال / ۲۸۸۳۳

۵. امالی صدوق / ۵۸

۶. منیه المرید / ۱۰۵

۳۲. علم عامل حیات نفس و نورانی شدن عقل و از بین برنده نادانی است؛ قال علی علیه السلام: «العلم محیی النفس و منیر العقل و ممیت الجهل».<sup>۱</sup>

۳۳. کسی که باب هدایتی را به مردم بیاموزد برای اوست همانند پاداش شخصی که به آن علم عمل کند؛ قال الباقر علیه السلام: «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هَدَى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ...».<sup>۲</sup>

۳۴. هر چیزی وقتی کم می شود عزیزتر می شود جز علم که وقتی زیاد می شود عزیزتر می گردد؛ قال علی علیه السلام: «كُلُّ شَيْءٍ يَعْزُّ حِينَ يَنْزُرُ إِلَّا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ يَعْزُّ حِينَ يَعْزُرُ».<sup>۳</sup>

### فضیلت دانشمندان

از نظر اسلام دانشمندان و مجاهدان فرهنگی دارای ارزش و فضیلت خاصی هستند که به نمونه‌ای از فضیلت آنان در روایات اشاره می‌شود؛

۱. دانشمندان وارثان پیامبران هستند؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ».<sup>۴</sup>

۱. غررالحکم / ۱۷۳۶

۲. تحف العقول / ۲۹۷

۳. غررالحکم / ۶۹۱۳

۴. بحارالانوار ج ۱ ص ۱۶۴

۲. خواب دانشمندان برتر از هزار رکعت نماز عابد است؛ قال رسول الله ﷺ: «يا علي! نوم العالم أفضل من ألف ركعة يصليها العابد».<sup>۱</sup>
۳. باارزش‌ترین بندگان بعد از پیامبران، دانشمندان‌اند؛ قال رسول الله ﷺ: «ان أكرم العباد الى الله بعد الانبياء العلماء».<sup>۲</sup>
۴. نگاه به چهره دانشمند عبادت است؛ «النظر الى وجه العالم عبادة».<sup>۳</sup>
۵. نشستن یک ساعت نزد دانشمندان محبوب‌تر است نزد خداوند از عبادت هزار سال و از اعتکاف یک سال در بیت‌الله الحرام و زیارت دانشمندان از هفتاد طواف و از هفتاد حج و عمره مقبوله؛ قال علي عليه السلام: «جلوس ساعة عند العلماء احب الى الله من عبادة الف سنة و النظر الى العالم احب الى الله من اعتكاف سنة و زيارة العلماء احب الى الله من سبعين طوافاً حول البيت و أفضل من سبعين حجة و عمرة مقبولة مبرورة».<sup>۴</sup>
۶. حضرت علی علیه السلام فرمود: کسی که دانشمندی را احترام کند و برای او عظمت قائل شود، گویا برای خداوند عظمت قائل شده است؛ «مَنْ وَقَرَ عالماً فقد وَقَرَ رَبَّهُ».<sup>۵</sup>
۷. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: فضیلت دانشمند به غیر خودش مانند

۱. بحار الانوار ج ۲ ص ۲۲

۲. بحار الانوار ج ۹۲ ص ۱۸

۳. بحار الانوار ج ۱ ص ۱۹۵

۴. مستدرک ج ۷ ص ۳۵۶

۵. غرر الحکم / ۸۷۰۴

فضیلت پیامبر بر امت خویش است؛ «فضل العالم علی غیره کفضل النبیّ علی امّته».<sup>۱</sup>

۸. برتری دانشمند بر عابد مانند فضیلت ماه بر سایر ستارگان در شب چهاردهم است؛ قال رسول الله ﷺ: «فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سائر النجوم لیلۃ البدر».<sup>۲</sup>

۹. برتری دانشمند بر عابد مانند برتری خورشید بر سایر ستارگان است؛ قال رسول الله ﷺ: «انّ فضل العالم علی العابد کفضل الشمس علی الکواکب».<sup>۳</sup>

۱۰. دانشمندی که از علم او مردم استفاده کنند برتر از هفتاد هزار عابد است؛ «عالم ینتفع بعله أفضل من عبادة سبعین الف عابد».<sup>۴</sup>

۱۱. یک فقیه در مخالفت با شیطان از هزار عابد شدیدتر است؛ عن امیر المؤمنین علیه السلام: «فقیه واحد اشدّ علی ابلیس من الف عابد».

۱۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: گرانبهاترین مردم کسی است که از همه داناتر باشد؛ «اکثر الناس قيمة اکثرهم علماً».<sup>۵</sup>

۱. کنز العمال / ۲۸۷۹۸

۲. بحار الانوار ج ۲ ص ۱۸

۳. بحار الانوار ج ۲ ص ۱۹

۴. بحار الانوار ج ۲ ص ۱۹

۵. سفینه / ماده علم

## دانشمندان با عمل

فضایل و ارزش‌هایی که برای دانشمندان بیان شده از قبیل امین پیامبر بودن و وراثت از آنان؛ «العلماء امناء الرّسل ما لم یخالطوا السّلطان».<sup>۱</sup>

قال الصادق علیه السلام: «انّ العلماء ورثة الانبیاء».<sup>۲</sup>

یا امین خدا بودن؛ «العلماء امناء الله علی خلقه».<sup>۳</sup>

یا لزوم خدمت به آنان؛ «اذا رأیت عالماً فکن له خادماً».<sup>۴</sup>

یا برتری دو رکعت نماز آنان بر هزار رکعت عابد؛ «رکعتان یصلیها العالم أفضل من ألف رکعة یصلیها العابد».<sup>۵</sup>

یا عبادت بودن نگاه به چهره آنان؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «النظر الی وجه العالم عبادة».<sup>۶</sup>

تمام اینها در صورتی است که عالم عامل به علم خویش باشد و از رذایل اخلاقی مانند حسادت و غرور و دنیا طلبی به دور باشد.

قال علی علیه السلام: «لا یكون العالم عالماً حتّی لا یخسند من فوقه و لا یحتقر من دونه و لا یأخذ علمه شیئاً من حطام الدنّیا».<sup>۷</sup>

۱. کنز العمال / ۲۸۹۵۲

۲. کافی ج ۱ ص ۳۲

۳. کنز العمال / ۲۸۶۷۵

۴. غررالحکم / ۴۰۴۴

۵. من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۷

۶. بحار الانوار ج ۱ ص ۱۹۵

۷. غررالحکم / ۱۰۹۲۱

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ».<sup>۱</sup>

قال رسول الله ﷺ: «يَنْبَغِي لِلْعَالِمِ أَنْ يَكُونَ قَلِيلَ الضَّحْكَ كَثِيرَ الْبُكَاءِ لَا يَمَازِحُ ... وَ لَا يَمَارِي وَ لَا يَجَادِلُ أَنْ تَكَلَّمَ بِحَقٍّ وَ أَنْ صَمَتَ صَمْتِ عَنِ الْبَاطِلِ...».<sup>۲</sup>

از امام صادق عليه السلام از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینه اینکه نگاه کردن به چهره علما عبادت است سؤال کردند، حضرت فرمودند: منظور از عالم شخصی است که وقتی به او نگاه می‌کنی شما را به یاد آخرت بیاندازد و اگر غیر از این بود نگاه به او فتنه خواهد بود؛

لَمَّا سئِلَ عَنْ قَوْلِ النَّبِيِّ النَّظْرَ إِلَى وَجْهِ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ قَالَ هُوَ الْعَالِمُ الَّذِي إِذَا نَظَرْتَ إِلَيْهِ ذَكَرَكَ الْآخِرَةَ وَ مِنْ كَانَ خِلَافَ ذَلِكَ فَالنَّظْرُ إِلَيْهِ فِتْنَةٌ».<sup>۳</sup>

### فضیلت علم بر ثروت

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی می‌فرماید: به هفت دلیل علم بر ثروت برتری دارد؛

۱. علم، میراث پیامبران و مال، میراث فراعنه است. ۲. علم با انفاق کم نمی‌شود، ما با انفاق کم می‌شود. ۳. مال نیاز به نگهداری دارد، علم

۱. منیه‌المربید / ۱۳۷

۲. کنز العمال / ۲۹۳۸۹

۳. تنبیه الخواطر ج ۱ ص ۸۴

حافظ انسان است. ۴. علم وارد کفن می‌شود، مال خیر. ۵. مال برای مؤمن و کافر حاصل می‌شود، علم تنها برای مؤمن (علم الهی). ۶. همه مردم محتاج به عالم هستند و محتاج به ثروتمند نیستند. ۷. علم عامل عبور از صراط خواهد بود، ولی مال نه؛

«العلم أفضل من المال بسبعة؛ الاول أنه ميراث الانبياء و المال ميراث الفراعنة الثاني العلم لا ينقص بالتفقه و المال ينقص بها الثالث يحتاج المال الى الحافظ و العلم يحفظ صاحبه الرابع العلم يدخل في الكفن و يبقى المال الخامس المال يحصل للمؤمن و الكافر و العلم لا يحصل الا للمؤمن السادس جميع الناس يحتاجون الى العالم في امر دينهم و لا يحتاجون الى صاحب المال السابع العلم يقوى الرجل على المرور على الصراط و المال يمنعه»<sup>۱</sup>

تذکر) منظور از علمی که برتر از ثروت است علم الهی و دینی است زیرا علوم مادی نیز وارد کفن نمی‌شود و لحظه مرگ تمام دانستنی‌های مادی از بین می‌رود.

علم الهی است که برای مؤمن حاصل می‌شود، زیرا علوم مادی نیز برای کفار قابل تحصیل است و لکن علم الهی که برای کافر قابل تحصیل نیست در صورتی است که در کفر باقی بماند و الا با ایمان آوردن آن علم نیز حاصل می‌شود.

آثار مؤلف:

- تفسیر نسیم رحمت ۱۰ جلد  
 هزار و یک نکته از قرآن کریم ۳ جلد  
 ۳۱۳ نکته از قرآن کریم پیرامون حج  
 ۱۵۰ موضوع از قرآن و حدیث ۳ جلد  
 ۱۱۴ نکته از قرآن درباره مسجد، نماز، زکات ۳ جلد  
 ۱۱۴ نکته پیرامون تربیت فرزند  
 ۱۱۴ نکته از قرآن کریم ۲ جلد  
 ۷۲ حکمت از قرآن و عترت  
 ۲۵ سخن پیرامون شخصیت حضرت زهرا(س)  
 ۲۵ سخن پیرامون شخصیت حضرت مهدی (ع)  
 آئینه کمال ۲ جلد  
 امام حسین(ع) وارث پیامبران  
 امام رضا(ع) مظهر رأفت الهی  
 با قرآن در مکه و مدینه  
 لطایفی از قرآن کریم  
 شباهت ها و تفاوت ها  
 زکات در اسلام  
 نخبه التفاسیر  
 واژه های نور  
 راه رستگاری  
 راه زندگی  
 راه رشد  
 ۱۱۴ نکته از قرآن کریم پیرامون جهاد فرهنگی و نظامی  
 اسوه تهذیب نفس